فصل‌نامه مطالعات اقتصاد انرژی/ سال هجدهم / شماره ۷۲ / بهار ۱۴۰۱ / صفحات ۱۶۰-۱۲۱

تأثیر قوانین حمایت از رقابت در قراردادهای بلندمدت گاز دراتحادیه اروپا

محمدمهدی حاجیان[۱]
استادیاردانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، hajian@atu.ac.ir

فیصل عامری

دانشیاردانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، faysalameri51@gmail.com

سامیه کوکبی
دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای بین المللی نفت و گاز، دانشگاه علامه طباطبایی، s.kokabi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

چکیده

حقوق رقابت اهداف مختلفی را دنبال می‌کند که از جمله اهداف اقتصادی آن را میتوان افزایش کارایی اقتصادی و رفاه مصرف‌کنندگان برشمرد. این شاخه از حقوق در مقابل توافقات و قراردادهایی که رفاه مصرف کننده و یا جامعه را به مخاطره اندازد، ایستادگی نموده و سعی درجلوگیری از انعقاد چنین توافقات و رویه‌هایی دارد. اتحادیه اروپا یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان و واردکنندگان انرژی جهان بشمار می‌رود. بخش عمده ای از گاز مصرفی اتحادیه اروپا، از طریق کشورهای خارج از این اتحادیه تامین می‌شود. از این‌رو از برجسته‌ترین نگرانی‌ها در اتحادیه اروپایی، دورنمای تامین انرژی و انتقال آن به شریان‌های حیاتی صنعت و اقتصاد اروپاست. از طرفی این اتحادیه با وضع قوانین حمایت از رقابت به دنبال ایجاد ساختار رقابتی عادلانه میان فعالان اقتصادی و بنگاه‌های تولیدی می‌باشد و با کنترل رفتارهای ضدرقابتی از ایجاد کارتل‌ها و انحصار و همچنین آسیب به منافع جامعه جلوگیری می‌کند. یکی از مهمترین بخش‌هایی که طی سال‌های اخیر صحنهٔ مناقشات زیادی بوده، بخش فروش گاز به این اتحادیه از طریق قراردادهای بلندمدت می‌باشد. گاهی در این قراردادها شروطی دیده می‌شود که با حقوق رقابت در این اتحادیه در تضاد می‌باشد. اروپا خواهان ایجاد یک بازار مشترک و همگن انرژی در درون اتحادیه به منظور حمایت از حقوق مصرف کنندگان و همچنین حصول اطمینان از تامین منبع انرژی مورد نیاز می‌باشد. در این مقاله برآنیم تا با بررسی قراردادهای بلندمدت فروش گاز به اروپا، شروط قراردادی که از منظر اتحادیه اروپا مغایر با قوانین حمایت از رقابت اروپاست را مشخص و تاثیر مقررات اتحادیه را بر درج این شروط در قراردادهای بلندمدت بررسی نماییم. موضوعاتی که تحت پوشش قرار می‌گیرند عبارتند از: شرط مقصد، محدودیت‌های باز فروش، قیمت گذاری و شرط Take or Pay . توجه به این نکته که کاربرد قوانین ضد انحصاری خاص زمان است از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و از این‌رو تحت تغییرات مداوم قرار می‌گیرد. چنانچه یک اقدام قانونی امروز، فردا می‌تواند ضد رقابت باشد.

طبقه‌بندی JEL: K12, K21, K32, F23, F53

کلیدواژه‌ها: اتحادیه اروپا، حقوق رقابت، قراردادهای گازی، شروط قراردادی فروش گاز، شرط مقصد و شروط محدودکننده فروش مجدد

---

۱. نویسنده مسئول

۱- مقدمه

قراردادهای بلند مدت تأمین گاز طبیعی به طور سنتی به عنوان سنگ بنای امنیت تأمین انرژی در کشورهای اروپایی در نظر گرفته می‌شود. از طریق قراردادهای بلند مدت، خریدار اطمینان می‌یابد که می‌تواند گاز مورد نیاز داخلی را در میان مدت و بلند مدت تأمین کند و بر اساس نیازهای قابل پیش بینی خود، با فروشندگان قرارداد تنظیم نماید. در عمل یک وارد کننده، می‌تواند مجموعه‌ای از چندین قرارداد بلند مدت (که احتمالاً با چندین تولید کننده و با حجم‌های مختلف و قیمت‌های متفاوت میباشند) را، تحت شرایط مختلف منعقد نماید.

تجارت در قلمروی اتحادیه اروپا، مستلزم رعایت مقررات حقوق رقابت این اتحادیه است. بطور کلی حقوق اتحادیه از دو دسته قوانین و مقررات اولیه و ثانویه تشکیل شده است. قوانین و مقررات اولیه، معاهدات الزام آوری هستند که در بین اعضای آن اتحادیه منعقد گردیده و در حکم قانون اساسی اتحادیه اروپا به شمار می‌روند. مانند معاهده لیسبون که در سال ۲۰۰۷ شکل گرفت.

قوانین و مقررات ثانویه همان رگیولیشن ها[1]، دایرکتیوها[2] و تصمیمات[3] هستند که در راستای قوانین و مقررات اولیه وضع و اجرا میشوند.

رگیولیشن به مقرراتی اطلاق می‌شود که بلافاصله پس از اجرایی شدن، به مثابه قانون در سراسر کشورهای اتحادیه اروپا الزام‌آور می‌گردند. دایرکتیوها مقرراتی هستند که در آنها اهدافی که کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید به آنها دست یابند، تشریح می‌شود و کشورهای عضو موظفند تا با هر روشی که مناسب می‌دانند، به آن اهداف نائل شوند تصمیمات نیز آرای نهادهایی از جمله کمیسیون اروپاست که به صورت موردی صادر شده و برای اشخاص مرتبط با آن تصمیم، لازم‌الاجرا هستند[4].

اتحادیه اروپا در زمینه قانون‌گذاری و وضع مقررات بسیار فعال بوده، به نحوی که در ارتباط با مسائل مربوط به حوزه بازار گاز، قوانین، مقررات و تصمیمات پرشماری وجود دارد که مدام در حال به روز رسانی می‌باشد.

1. Regulation
2. Directives
3. Decision
4. www.europa.eu/european-union/Law/Legal-acts_en

در دایرکتیوهای اتحادیه اروپا اهدافی برای کشورهای عضو ترسیم می‌شود که اعضا باید با پیش بینی سازوکار مناسب، به آن اهداف دست‌یابند. کشورهای عضو اتحادیه عمدتا از طریق وضع قوانین داخلی نسبت به اندیشیدن تمهیدات لازم به منظور نیل به اهداف تعیین شده توسط اتحادیه اقدام می‌کنند. در نتیجه در کنار حقوق اتحادیه اروپا، حقوق داخلی هر کشور نیز نقش مهمی را در انعقاد قرارداد ایفا می‌کند.

طی سال‌های اخیر اتحادیه اروپا در مورد برخی از مفاد قراردادهای بلندمدت گازی حساسیت بیشتری نشان داده است و برخی از شروط قراردادی را مغایر با قوانین رقابت در این اتحادیه اعلام نموده و خواهان حذف این بندها و یا در مواردی تعدیل اینگونه شروط در قراردادهای بلندمدت گازی شده است.

پژوهش پیش رو در پی دستیابی به این سوال است که قوانین حمایت از رقابت در اتحادیه اروپا در مواجهه با قراردادهای بلندمدت گازی، چه بندهایی از آنرا مغایر با خود می‌داند و آیا تاثیر مقررات حمایت از رقابت بر شروط مرسوم مورد استفاده در قراردادهای گازی بلندمدت یکسان است؟

در این مقاله با بررسی قراردادهای مختلف فروش گاز در اتحادیه اروپا (که پرونده‌های داوری نیز داشته‌اند) و استخراج شروط قراردادی که از منظر این اتحادیه درج آن شروط مغایر با قوانین رقابت می‌باشد، رویکرد این اتحادیه را در مورد هر یک از بندهای شروط قراردادی مورد ارزیابی قرار داده و همچنین به مطالعه سیاست‌های این اتحادیه در مواجه با خرید گاز خصوصا خریدهای تک محموله را نیز خواهیم پرداخت.

قابل ذکر است که پیشینه پژوهشی نسبتا اندکی به زبان فارسی در مورد تاثیر قوانین رقابت اتحادیه اروپا در مورد قراردادهای انرژی، خصوصا قراردادهای گازی وجود دارد و مقالات علمی و پژوهشی انگشت شماری در این زمینه یافت می‌شود.

۲- روند مصرف گاز در اروپا

تقاضای گاز طبیعی اروپا طی سال ۲۰۲۰ به حدود ۵۴۱[1] میلیاردمترمکعب رسید. طبق نقشه راه انرژی اروپا، مصرف سوخت‌های فسیلی به‌ویژه نفت تا سال ۲۰۵۰ می‌بایست به‌شدت کاهش یابد و انتشار گازهای گلخانه در این قاره به حدود ۵۰ درصد سطح انتشار

1. BP Statistical review of world energy 2021

سال ۱۹۹۰ برسد. از این‌رو حجم تقاضای گاز اروپا نیز طبق برنامه پیش‌بینی شده، از سال ۲۰۲۶ بطور متوسط سالیانه ۱۰درصد (یا معادل ۵۵ میلیاردمترمکعب)کاهش می‌یابد، به‌گونه ای که تا سال ۲۰۵۰ تقاضای گاز اروپا به ۴۷۵ میلیاردمترمکعب خواهد رسید[1].

کاهش تقاضای سوخت‌های فسیلی و حمایت جدی و قابل توجه از افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی مصرفی اروپا تا میزان ۷۵ درصد در سال ۲۰۵۰ و بالابردن سهم این انرژی‌ها در زمینه تولید برق تا میزان ۹۷ درصد تا سال ۲۰۵۰، از جمله سناریوهای مهم نقشه راه انرژی اروپا در آینده به شمار می‌آید[2].

البته بنظر می‌رسد در بین سوخت‌های فسیلی، گازطبیعی بدلیل آلایندگی نسبتا کم در مقایسه با سایر سوخت‌های فسیلی، کمتر با کاهش تقاضا مواجه گردد. زغال‌سنگ و نفت خام به دلیل سیاست‌های زیست محیطی، بیشترین میزان کاهش تقاضا را تا سال ۲۰۵۰ در اروپا تجربه خواهند نمود.

در این بین، پیش‌بینی می‌شود بخش حمل و نقل، تنها بخش اقتصاد اتحادیه اروپا باشد که مصرف گازطبیعی خود را افزایش خواهد داد. این بخش در سال ۲۰۱۹ حدود ۳ میلیاردمترمکعب گاز مصرف نموده که انتظار می‌رود تقاضای گاز این بخش تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۵۰ میلیارد مترمکعب افزایش یابد. سایر بخشهای اقتصاد، با کاهش تقاضای گازطبیعی مواجه خواهند بود[3].

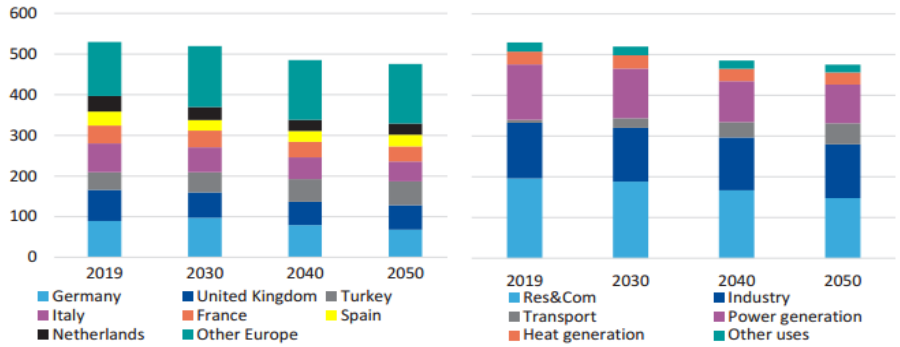

Source: GECF, GGM 2020

نمودار۱. تقاضای گاز اروپا به تفکیک کشور و بخشهای مختلف مصرف (میلیارد مترمکعب در سال)

1. GECF 2020

۲. احمد کدخدازاده- فصلنامه مطالعات انرژی- ۱۳۹۲

3. Global Gas outlook 2050, GECF 2020

۳- پیشینه پژوهش

بعنوان پیشینه مطالعه موجود در این زمینه میتوان به تحقیقی که آقای Kim Talus[1] در سال ۲۰۱۱ در مورد قراردادهای طولانی مدت گاز و قانون رقابت در امریکا و اروپا انجام داد اشاره نمود. دستاوردهای این مطالعه جامع در کتابی تحت عنوان «ظرفیت حمل و نقل گاز طبیعی، قراردادها و قانون رقابت[2]» منتشر شده است. در این مطالعه اعمال قانون رقابت در مورد قراردادهای بلندمدت در اتحادیه اروپا و ایالات متحده با هم مقایسه شده است. تمرکز این کتاب بر «سیاست» رقابت و تعامل بین قانون و ژئوپلتیک بین المللی در بخش گاز است. بعنوان نتیجه گیری این مطالعه ذکر شده است:

«در هر دو سوی اقیانوس اطلس، چه اروپا و چه امریکا، بخش انرژی یکی از زمینه‌های اصلی کنترل ضد انحصاری است. به دلیل حساسیت بخش انرژی (نفت ، گاز و برق)، نیاز ویژه‌ای به اجرای دقیق و مستقل و ضد انحصاری وجود دارد. سیاست‌های بازارهای گازطبیعی اتحادیه اروپا و تاثیر مستقیم این سیاست‌ها بر بخش انرژی و مصرف‌کنندگان اتحادیه اروپا، منجر شده است تا منافع سیاسی موجود در این بخش برجسته گردد. به همین دلیل ، اغلب نقش و منطق قراردادهای بلندمدت فراموش می‌شود».

مطالعه دیگری که در این زمینه منتشر شده است مربوط به موسسه GAR[3] آمریکا میباشد. پرفسور Steven p Finizio در سال ۲۰۱۷ مطالعه ای در مورد آینده قراردادهای بلندمدت فروش گاز انجام داده است و به این نتیجه رسیده است که با افزایش تجارت جهانی LNG، خریداران گاز با فاصله گرفتن از قراردادهای بلندمدت، به سمت خریدهای محموله ای گاز و قراردادهای کوتاه مدت روی می‌آورند.

آقای Fang-Chia Lee در سال ۲۰۱۸ از موسسه مطالعاتی انرژی آسیاپاسفیک ژاپن در مطالعه ای تحت عنوان «پیامدهای احتمالی حذف شرط مقصد از قراردادهای فروش گاز در آسیا و اقیانوسیه» آورده است که برای ایجاد یک بازار رقابتی بسیاری از کارشناسان بازار گاز به این نتیجه رسیده اند که حذف شرط مقصد یا محدودیت‌های سرزمینی، می‌تواند عامل کلیدی باشد، اما برخی از واردکنندگان LNG ، بدلیل نگرانی

1. Lecturer in Internatonal Energy and Resources Law at the UCL School of Energy and Resources, Australia. Member of the CoE F
2. Natural Gas Transportation Capacity, Contracts and Competiion Law (Kluwer Law International 2011)
3. Global Arbitrations Review

از امنیت تامین انرژی، تمایلی به حذف این شرط ندارند و تولیدکنندگان نیز هنگامی به حذف این شرط از قرارداد راضی می‌شوند که سرمایه‌گذاری اولیه آنها در ساخت پایانه LNG پوشش داده شود.

۴- قراردادهای گازی و شروط آن

ویژگی‌های هر قرارداد نفت و گاز را اهداف طرفین قرارداد تعیین می‌کنند. شرکت‌های نفت و گاز داخلی و بین المللی بنگاه‌های اقتصادی هستند که منطقا در چارچوب ضوابط بنگاه‌داری، هدفی به‌جز تامین منافع سهامداران خود در فضای رقابتی ندارند. شرکت‌های ملی نفت و گاز به نمایندگی از دولت‌ها منطقا می‌بایست تامین منافع نسل فعلی و نسل‌های آینده از منافع نفتی را مدنظر قراردهند. بنابراین منطق بنگاه‌داری ایجاب میکند که این شرکتها، فارغ از نوع قرارداد و رژیم حاکم بر آن، نخست حداقل بازده قابل قبول برای سرمایه‌گذاری‌های خود را با توجه به محدودیت‌های موجود در بازار جهانی سرمایه محاسبه کنند و سپس قراردادی را بپذیرند که عایدی ناشی از آن، در مقایسه با قراردادهای دیگری که در سایر کشورها منعقد کرده اند، کامل رقابتی و قابل قبول باشد[۱].

بین پروژه‌های گاز با پروژه‌های نفت تفاوت‌های اساسی وجود دارد. پروژه‌های گازی بدلیل طولانی مدت بودن، دارای پیچیدگی‌هایی خاص خود می‌باشند. نیاز به حجم عظیم سرمایه، یکی از ویژگی‌های مهم این پروژه‌هاست. علاوه بر آن، به دلیل وابستگی پروژه به زیرساخت‌های محلی، ویژگی‌های تاسیسات، هزینه‌های سرمایه‌ای و نیاز به تأمین بازار مصرف در مراحل اولیه یک پروژه باعث می‌شود که پروژه‌های گازطبیعی از پروژه‌های نفت متفاوت باشند[۲].

قراردادهای بلندمدت گازطبیعی سنگ بنای امنیت تأمین انرژی در کشورهای اروپایی می‌باشند. این قراردادها بر اساس مدل هلندی گرونینگن[۳] شکل گرفته‌اند. مدل گرونینگن از دهه ۱۹۷۰ برای تأمین گازطبیعی از روسیه به آلمان، اتریش، ایتالیا و

---

۱. مسعود درخشان، ویژگیهای مطلوب قراردادهای نفتی، ۱۳۹۲

۲. ابراهیم عباسی، بررسی روشهای تامین مالی پروژه‌ها در بخش بالادستی نفت و گاز، ۱۳۹۵فصلنامه اقتصاد مالی

3. Groningen

فرانسه استفاده می‌شد و بعدا به سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز گسترش یافت. از همین مدل برای صادرات LNG و گاز از طریق خط لوله از الجزایر به بلژیک، یونان، پرتغال و اسپانیا و همچنین بسیاری از قراردادهای گازی نروژ با مشتریان اتحادیه اروپا و همچنین برای صادرات گاز نیجریه به اتحادیه اروپا و نیز صادرات گاز لیبی به ایتالیا استفاده می‌شود.[۱]

توافقات گازی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف) توافقات افقی[۲] یا توافقات بین فعالینی که در یک سطح فعالیت می‌کنند؛ مثل توافق بین چند عرضه کننده گاز

ب) توافقات عمودی[۳] یا توافقات بین فعالینی که در سطوح متفاوت فعالیت دارند؛ مثل توافق بین تولیدکننده و عرضه‌کننده.

برخلاف توافقات عمودی که میان واحدهای اقتصادی غیرهمسطح منعقد می‌گردد، توافقات افقی میان واحدهای اقتصادی است که در یک سطح همسان فعالیت می‌کنند. در اتحادیه اروپایی این‌گونه توافقات در کانون توجه مراجع ذیصلاح رقابت تجاری قرار دارند، زیرا از دیدگاه حقوق رقابت اروپایی آثار ضد رقابتی این دسته از توافقات به مراتب بیشتر از توافقات عمودی است. دلیلش این است که چنین توافقاتی میان واحدهای اقتصادی منعقد می‌شود که عملا یا حداقل بطور بالقوه، رقبای تجاری یکدیگر محسوب می‌شوند.

از جمله توافقات افقی می‌توان به توافقات راجع به تثبیت قیمت‌ها میان تولیدکنندگان[۴] یا توافقات جمعی برای حفظ قیمت‌های خرده فروشی[۵] و توافقات تقسیم بازار یا مشتریان[۶] و توافقات جمعی امتناع از عرضه محصول[۷] یا تحریم جمعی[۸] اشاره نمود که می‌توانند موجب تثبیت قیمت‌ها و یا ایجاد محدودیت در عرضه محصول به بازار شده و تعادل میان عرضه و تقاضا در بازار را بر هم زده و رقابت سالم

1. Luca Franza, Long-term gas import contracts in Europe 2018
2. Horizontal agreements
3. Vertical agreements
4. Price Fixing Between Manufacturers Agreement
5. Collective Agreement in Order to Maintenance of Resale Price
6. Allocation of Markets or Customers
7. Collective Refusal to Supply
8. Collective Boycotts

اقتصادی را مختل نمایـد. در نتیجه مقامات رقابت همواره با دقت و حساسیت مضاعفی قراردادهای افقی میان واحـدهای اقتصادی را تحت کنترل و نظارت قرار می‌دهند.

توزیع گاز از مصادیق توافقات عمودی می‌باشد، زیرا از توافق بین فعالان اقتصادی و شرکت‌ها یا اشخاصی که در سطوح مختلف و غیر همسطح فعالیت می‌کنند محسوب می‌شود. شروط مختلفی در ضمن و یا به موجب یک توافق عمودی مطرح می‌گردد که برخی از آن‌ها نیز می‌توانند حاوی آثار ضدرقابتی باشند. برخی از شروط و توافقات موجود در یک رابطه تجاری عمودی آن چنان آثار ضدرقابتی و مضری دارند که معمولا با دیده بدبینانه به آن‌ها نگریسته می‌شود و وارد محدوده حساسیت‌های حقوق رقابت می‌شوند. این گونه شروط در هر سیستم و نظام حقوقی تحت عنوان خاصی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. شایان ذکر است که نحوه برخورد حقوق رقابت کشورهای مختلف نسبت به این گونه شروط نیز یکسان نیست، به عنوان نمونه در حقوق آنتی‌تراست[1] ایالات متحده آمریکا به عنوان محدودیت‌های نامشروع ذاتی شناخته می‌شوند که محدودیت در ذات آن‌ها بوده و آثار ضدرقابتی آن‌ها اثبات شده است.

برخی کشورها مطلقاً و ذاتاً اینگونه شروط را ممنوع دانسته و امکان هرگونه معافیت نیز برای آن پیش‌بینی نشده و هیچ گونه اثر مثبتی برای آن‌ها متصور نیست.

به برخی دیگر از شروط با نگاه ملایم‌تری نگریسته می‌شود و صرفاً پیش فرض ممنوعیت برای آن‌ها وجود دارد، ولی این پیش‌فرض مطلق نبوده و تحت برخی شرایط می‌توان تخفیف قائل شد و اثبات نمود که ممنوع نمی‌باشند.

صرف نظر از نام و عنوانی که برای چنین شروطی استفاده می‌شود، آن چه مهم است ماهیت آن‌ها و میزان ریسکی است که این شروط می‌توانند در مقابل اهداف و اصول حقوق رقابت داشته باشند.

چنین شروطی معمولاً درجه بالایی از ریسک و خطر بالقوه برای بازار رقابتی و رفاه مصرف کننده دارند. لذا، بیشتر نظام‌های حقوقی با دید منفی به آن‌ها نگریسته و هریک به نوعی سعی در کنترل آن‌ها دارند[2].

از اینرو در قراردادهای بلند مدت فروش گاز، بندهای مختلفی گنجانیده می‌شود تا مکانیسم‌هایی را فراهم کنند که اطمینان لازم در این موارد به فروشنده داده شود.

1. Antitrust

۲.حاجیان، محمدمهدی- سلیمی، شیدا- مدیریت و توزیع کارآمد ریسک در قراردادهای نفت و گاز از طریق شروط قراردادی، ۱۳۹۹، مجله پژوهشهای حقوقی.

توسط اعمال چنین شروطی، خطرات کمی و قیمتی را تضمین می‌کنند و یا با افزودن شروطی سختگیرانه، گوی رقابت را از سایر رقبای خود می‌ربایند و هزینه‌های حضور سایر رقبا را برای خریدار افزایش می‌دهند. از طرفی خریداران گاز طبیعی نیز به منظور تضمین امنیت عرضه گاز مصرفی خود، از قراردادهای بلند مدت فروش گاز استقبال می‌کنند و ناگزیر به پذیرش این شروط هستند.

قوانین رقابت در اتحادیه اروپا در جهت حمایت از مصرف کننده و پرهیز از انحصارگرایی تمام تلاش خود را بکار گرفته است تا خرید و فروش گاز در این اتحادیه در چارچوب بازاری یکپارچه و آزاد انجام پذیرد. این تحولات منجر به افزایش بحث در مورد لزوم بازنگری شکل فعلی قراردادهای طولانی مدت گاز طبیعی شده است.

در حال حاضر، آزادسازی تدریجی بازارهای گاز و ادغام تدریجی این بازارها در اروپا به دلیل گسترش خطوط لوله جدید و اقدامات نظارتی این اتحادیه، باعث تغییر رویکرد اروپا از خرید سنتی به خرید تک محموله‌های[1] گازی شده است.

همزمان با حجم عظیم تولید از منابع غیرمتعارف گازطبیعی در ایالات‌متحده و امکان عرضه آن به بازارهای مختلف از جمله بازار اروپا، حجم گازهای تک‌محموله از ایالات متحده به بازار اروپا بطور قابل توجهی افزایش یافته‌است، بعلاوه می‌بایست حجم بسیار زیاد LNG صادرشده از کشورهایی مانند قطر را نیز اضافه نمود. این امر نیز بر رونق قراردادهای کوتاه مدت و بازارهای تک‌محموله در اتحادیه اروپا افزوده و فضای سنتی را با تغییر روبرو کرده است. خریداران گاز می‌توانند گازهای تک محموله را در بازارهای محلی با قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت‌های قراردادی خریداری نمایند. از این‌رو توجه خریداران گاز بیشتر از هر زمانی به بازارهای تک‌محموله معطوف گردیده و بسیاری از خریداران گاز در اتحادیه اروپا به LNG و بازارهای تک‌محموله روی آوردنده‌اند.

در شرایط جدید مبتنی بر رقابت آزاد و کارآمد، قراردادهای بلندمدت فروش گاز نقش بحث برانگیزتری دارند. هرچند این نوع قراردادها، به تامین امنیت عرضه کمک می‌کنند، اما با ایجاد شرایط رقابتی و ورود شرکت‌های جدید به بازارهای گاز، تا حد زیادی قدرت چانه‌زنی خریداران گاز، خصوصا در مورد قراردادهای بلندمدت افزایش یافته است.

1. Spot

سیر تحول مفاد و شرایط قراردادهای گاز، تابعی از نوسانات بازار بوده و نیاز به تضمین عرضه مستمر و پایدار انرژی داشته است. به عبارت دیگر خریداران به‌دنبال تضمین عرضه انرژی برای خود باید فروشندگان را از کسب درآمد به منظور تشویق آنان به سرمایه گذاری بیشتر در زیرساخت‌های عرضه انرژی نیز مطمئن سازند. برای همه پروژه‌های بین‌المللی گاز طبیعی حتی به شکل LNG، بسیار مهم است که برخی از تعهدات قراردادی خود را در بلندمدت تثبیت نمایند تا انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاران به منظور سرمایه‌گذاری در پروژه‌های گازی ایجاد شود.

در چنین فضای تجاری، شروطی به قراردادهای گاز اضافه شد که درجه انعطاف‌پذیری آن بسته به شرایط بازار و قدرت چانه‌زنی خریداران و فروشندگان به نفع یکی از طرفین متغییر بوده است.

مهمترین و چالش برانگیزترین شروطی قراردادی که اتحادیه اروپا این شروط را از نظر قانون رقابت مورد بررسی حقوقی قرارداده اند میتوان به شروط زیر اشاره نمود:

الف) شرط مقصد[1] و محدودیت بازفروش

ب) محاسبه قیمت گاز با توجه به قیمت نفت

ج) مدت زمان قرارداد و حجم محموله گازی

د) شرط دریافت یا پرداخت[2]

در ادامه با بررسی برخی از قراردادهایی گازی که بدلیل درج این شروط به داوری ارجاع داده شده‌اند، با ماهیت این مقرره‌ها و چگونگی تاثیرگذاری قوانین رقابت اروپا در مواجه با این شروط می‌پردازیم.

۴-۱- شرط مقصدو محدودیت بازفروش

شرط مقصد و شروط محدودیت فروش مجدد، یکی از عناصر اصلی قراردادهای پایین دستی و فروش گاز بشمار می‌رود که خریدار را ملزم می‌نماید تا از گاز خریداری شده تنها در مقصد مشخص استفاده نماید و خریدار را از فروش گاز به سایر کشورها یا مناطقی که غیر از مناطق مجاز در قرارداد ذکر شده است، منع می‌کند. این شرط به

1 Destination Cluse
2 Take or Pay

فروشنده اصلی این امکان را می‌دهد تا بتواند از مشتریان مختلف، قیمت‌های مختلف را در همان نقطه تحویل دریافت کند[۱].

هدف مشخص گنجانیدن شرط مقصد در قراردادهای گازی این است که خریدار نتواند گازی که خریداری نموده را با قیمتی بیشتر به طرف سوم بفروشد، چرا که در آن‌صورت خود به‌عنوان رقیب فروشنده اصلی گاز وارد بازار می‌شود و علاوه بر اینکه ممکن است به‌عنوان رقیب تاثیر منفی بر قیمت گاز در بازار داشته باشد و، فروشنده اول را از منفعت حاصل از فروش مجدد گاز خود بی نصیب خواهد گذاشت.

ریشه شروط محدودیت ارضی، تقسیم‌بندی تاریخی (چه افقی و چه عمودی) بازارهای انرژی اتحادیه اروپاست. تولیدکنندگان بزرگ غالبا گاز را به تأمین کنندگان ملی می‌فروشند نه به مشتریان نهایی، از این‌رو هر تامین‌کننده‌ای، مناطق مختص به خود را پوشش می‌دهد و دیگر تولیدکنندگان از این تقسیم‌بندی مطلع می‌باشند و هنگام فروش به تامین کنندگان[۲] ، اجازه فروش مجدد را به منطقه‌ای غیر از مناطقی که تحت پوشش آنها گازرسانی می‌شود، نمی‌دهند.

این شروط غالبا با جمله‌های مشابه زیر در قراردادها دیده می‌شوند:

«گازطبیعی عرضه شده توسط این شرکت برای اهداف عملیاتی خریدار در نظر گرفته شده است. انتقال گاز به اشخاص ثالث و استفاده از گاز برای اهداف غیر عملیاتی خریدار مستلزم رضایت قبلی [شرکت] است.»

و یا «گازطبیعی خریداری شده فقط برای استفاده شخص خریدار می‌باشد و تنها با رضایت کتبی [شرکت] به اشخاص ثالث قابل انتقال است.»

با توجه به محدویتی که شرط مقصد در تجارت آزاد و رقابت ایجاد می‌کند، برخی از قوانین ضدانحصار در جهان این شرط را مجاز نمی‌دانند. قانون رقابت در اتحادیه اروپا نیز از جمله مهمترین قوانینی است که اعمال این شرط را انحصارطلبانه و ضدرقابت شناخته و آن را ممنوع کرده است[۳].

1. Talus, 2011,p.281
2. Wholesale
3. Talus, 2011, P.281

یکی از مهمترین قوانینی که در این رابطه مکررا مورد استناد قرار گرفته است، ماده ۱۰۲ معاهدی اتحادیه اروپا[1] است که در آن آمده است: «هرگونه سوء استفاده از موقعیت مسلط در بازار که ممکن است بر تجارت آزاد میان اعضا تاثیر بگذارد و رقابت را محدود کند ممنوع است.»

فروشندگان علاوه بر شرط مقصد، روش‌های متعدد دیگری نیز برای اعمال محدودیت فروش مجدد گاز توسط خریدار دارند. گاهی در قراردادهای خود از مکانیسم‌های تقسیم سود، برای حفظ انحصار خود و ایجاد محدودیت‌های منطقه‌ای استفاده می‌کنند.

مکانیسم‌های تقسیم سود به فروشنده این امکان را می‌دهد تا تصمیمات فروش بعدی خریدار را کنترل یا تحت تأثیر قرار دهد. این سازوکار خریدار را ملزم می‌کند وقتی قادر است گاز دریافتی را در خارج از منطقه مورد توافق، به طور معمول یک کشور عضو ، بفروشد، به فروشنده اصلی سهمی از درآمد حاصل از فروش مجدد گاز را بدهد[2].

چنین مکانیزمی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: - تقسیم سود، - تقسیم قیمت.

در تقسیم سود خریدار اول که اکنون به‌عنوان واسطه و در مقام فروشنده است، پس از آنکه همه هزینه‌های انتقال گاز تا مقصد را از اصل قیمت گاز کم می‌کند، موظف است تا سود خالص را به نسبتی که در قرارداد قید شده، تقسیم کند. این شرط، انگیزه فروشنده واسطه را برای فروش گاز به قیمت بالاتر و کسب سود بیشتر افزایش می‌دهد که در نهایت فروشنده اصلی هم از افزایش قیمت گاز در بازار و هم از سود دریافتی از فروش مجدد منتفع می‌شود.

در تقسیم قیمت، فروشنده واسطه موظف است درصدی از قیمت فروخته شده را به حساب فروشنده اصلی واریز نماید. در این روش هزینه‌ها محاسبه نمی‌شوند و تنها درصد توافقی از قیمت فروخته شده مطرح است. لذا گاهی این شرط می‌تواند منجر به ضرر فروشنده واسطه گردد و هزینه‌های آن از منافعی که کسب خواهد نمود، بیشتر باشد، اما در هر صورت سود تضمین شده‌ای را عاید فروشنده اصلی خواهد نمود.

کمیسیون اتحادیه اروپا با توجه به تحقیقاتی که در طول زمان برروی قراردادهای متعدد فروش گاز در این اتحادیه انجام داده ، معتقد است که توافقات فروش گاز حاوی

1. Treaty on the functioning of the European Union
2. Suzanne Rab, Gas and LNG: Profit Share Mechanisms 2019

شرط مقصد و یا فروش گاز در مناطق محدود، می‌تواند تجارت بین کشورهای عضو را تحت تاثیر قرارداده و با قوانین رقابت در این اتحادیه ناسازگار است و مانع از ایجاد بازار یکپارچه در این اتحادیه می‌شود[1].

کمیسیون اروپا تاکنون بررسی‌های زیادی در مورد قراردادهای متعدد فروش گاز انجام داده است. برخی از پرونده هایی که در این کمیسیون مطرح بوده و منجر به توافق با عرضه کنندگان گاز شده است، در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱- توافق در قرارداد فروش LNG نیجریه در سال ۲۰۰۲

۲- توافق در قرارداد فروش ENI و گازپروم در سال ۲۰۰۳

۳- توافق در قرارداد فروش Sonatrach در سال ۲۰۰۷

۴- توافق در قرارداد فروش گازپروم در سال ۲۰۱۵

۵- توافق در قرارداد فروش LNG قطر در سال ۲۰۱۸

❖ *توافق در قرارداد فروش نیجریه در دسامبر ۲۰۰۲*

بررسی‌هایی که در کمیسیون اتحادیه اروپا در مورد قراردادهای فروش گاز توسط فروشندگان نیجریه‌ای صورت پذیرفت در نهایت منجر به دستیابی به توافقات زیر گردید:

محدودیتهای منطقه‌ای	*مکانیزم تقسیم سود (Profit Sharring Mechanisms)*	محدودیت‌های استفاده از گاز
•از کلیه قراردادهای جاری حذف گردید •عدم درج در قراردادهای آتی	•از کلیه قرارداد جاری حذف گردید •عدم درج در قراردادهای آتی	•عدم بکارگیری هیچ شرط محدود کننده ای در قراردادهای آتی برای استفاده و به کارگیری گاز فروش رفته

کمیسیون اروپا ضمن اظهار رضایت از این توافق اعلام کرد که با انعقاد این توافقنامه، تولیدکنندگان گاز نیجریه، علاوه بر اینکه از درآمد حاصل از فروش گاز در این اتحادیه منتفع می‌گردند، به قوانین رقابت در این اتحادیه نیز احترام گذاشته و از آن تخطی نخواهند نمود.

1. James Atkin, LNG Supply Destination Flexibility, July 2019

❖ ***توافق در قرارداد فروش ENI و گازپروم در سال ۲۰۰۳***

در رابطه با قرارداد فروش گاز توسط گازپروم به شرکت ENI، در اکتبر ۲۰۰۳ توافقی سه جانبه بین خریدار و فروشنده و کمیسیون اتحادیه اروپا منعقد شد. توافق بین گازپروم و ENI شامل محدودیت‌های مربوط به عرضه گاز و توافق بین ENI و کمیسیون اروپا در ارتباط با تعیین تمهیدات آزادسازی بازار برای فعالیت موثر شرکت ENI در کشورهای عضو اتحادیه بود.

❖ ***توافق بین ENI و گازپروم:***

حذف کلیه شروط مربوط به محدودیت‌های فروش منطقه‌ای و رفع تعهدات پذیرفته شده از طرف شرکت ENI برای استفاده از گاز خریداری شده در مناطق خاصی از ایتالیا

حذف شروطی که به موجب آن شرکت ENI موظف بود برای فروش گاز به خریداران ثانویه، رضایت شرکت گازپروم را کسب نماید.

❖ ***توافق بین ENI و کمیسیون اروپا:***

- تعهد ENI به ارائه حجم مشخصی از گاز به مشتریان خارج از ایتالیا
- تعهد ENI به سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت انتقال خطوط لوله گاز Trans Austria Gasleitung (TAG)
- تعهد ENI به حمایت از تسهیل دسترسی و استفاده اشخاص ثالث از خط لوله TAG بعنوان خط لوله انتقالی در اتحادیه

❖ ***توافق در قرارداد فروش Sonatrach در سال ۲۰۰۷:***

مذاکرات اتحادیه با شرکت الجزایری Sonatrach مانند سایر موارد دیگر به نرمی پیش نرفت و به مدت ۷ سال به‌طول انجامید. اما سرانجام در تابستان ۲۰۰۷ نمایندگان هر دو طرف اعلام کردند که مذاکرات به پایان رسیده و طرفین توافق کردند که شرط مقصد به عنوان محدودیت اساسی برای رقابت در نظر گرفته شده و طبق قوانین اتحادیه اروپا، هر شرطی که باعث ایجاد محدودیت در رقابت شود، ممنوع است. بنابراین شرط مقصد از قراردادها حذف و به جای آن مکانیزم تقسیم سود با شرایط خاص در قرارداد پذیرفته شد.

کمیسیون اروپا در بررسی قرارداد Sonatrach اعلام کرد که برای مکانیزم تقسیم سود در قراردادهای LNG دو عامل مهم، مالکیت و ریسک می‌باشد که می‌توان بر اساس این دو در مورد تقسیم سود فروش مجدد گاز در قراردادهای گازی، تصمیم گیری نمود.

یعنی نقطه تحویل[1]، مبنای تقسیم سود خواهد بود. شرکت نفتی Sonatrach فقط در مورد محموله‌هایی که هنوز تحویل خریدار در نقطه تحویل نشده اند و خریدار بجای دریافت آنها اقدام به فروش می‌نماید، می‌تواند ادعای دریافت سود کند. هنگامی‌که در نقطه تحویل گاز، مالکیت و ریسک به خریدار منتقل می‌شود، تولیدکننده پس از آن نمی‌تواند در مورد سود حاصل از فروش مجدد گاز توسط خریدار اول، ادعایی داشته باشد.

به این ترتیب شرط تقسیم سود را می‌توان تنها برای محموله‌های DES متصور بود و برای سایر قراردادهای فروش گاز از قبیل قراردادهای FOB و CIF مجاز نمی‌باشد. در انتقال گاز به روش DES ، نقطه تحویل گاز در عرشه کشتی در مقصد می‌باشد، در روی کشتی مالکیت و ریسک محموله به خریدار منتقل می‌شود و پس از آن فروشنده ادعایی در مورد محموله نخواهد داشت.

اما در مورد شرط تقسیم سود، مسئله به همین راحتی نبوده و بلکه دارای پیچیدگی‌های خاص خود می‌باشد، اما با این حال، در بررسی پرونده سوناتراک ، به نظر می‌رسد که در عمل به‌دنبال یافتن راه حل مسالمت‌آمیز بین کمیسیون و سوناتراک و یا دولت الجزایر بودند.

تقسیم سود می‌تواند انگیزه‌های تجارت را کاهش دهد. بسته به توافق انجام شده ، قسمت قابل توجهی از سود می‌تواند به فروشنده اصلی یا به خریدار اصلی منتقل شود که این با قوانین تجارت در اتحادیه که سود هر فعالیت تجاری را متناسب با هزینه انجام آن می‌داند و از سود بادآورده برای فعالیت‌های تجاری تا حدامکان جلوگیری می‌کند، در تضاد است.

همچنین شرط تقسیم سود می‌تواند منجر به اشتراک اطلاعات حساس تجاری بین فروشنده بالادستی و خریدار اتحادیه اروپا شود که این موضوع برای اکثر قراردادهای گازی که مهر محرمانگی به‌همراه دارند، قابل قبول نیست. اما نیاز به این نوع اطلاعات

1. Delivery Point

برای محاسبه سود قابل تقسیم برای فروشنده ضروری و اجتناب ناپذیر است. بنابراین مشخص نیست که این تصمیم کمیسیون در مورد تقسیم سود مربوط به محموله‌های LNG، قابل تعمیم به همه محموله‌های DES تحویلی به اروپا باشد یا خیر.

برعکس محموله‌های LNG، فروش گاز از طریق خط لوله شرایط مشخص‌تری دارد. طبق قانون رقابت در اتحادیه اروپا، درج هر دو شرط مقصد و شرط تقسیم سود در قراردادهای فروش گاز از طریق خط لوله، ممنوع است.

خلاصه توافق با شرکت سوناتراک بصورت زیر میباشد:

محدودیت‌های منطقه‌ای	*مکانیزم تقسیم سود*
•حذف از قراردادهای جاری •عدم درج در قراردادهای آتی	•تقسیم سود حاصل از فروش مجدد، تنها برای قراردادهای DES(Delivered Ex Ship) قابل اعمال است و برای سایر قراردادهای آتی فروش گاز از قبیل قراردادهای FOB و CIF مجاز نمیباشد. •در خصوص قراردادهای جاری و آتی فروش گاز از طریق خط لوله، مکانیزم تقسیم سود وجود نخواهد داشت

❖ ***توافق در قرارداد فروش Gazprom در سال ۲۰۱۵***

در آوریل ۲۰۱۵ کمیسیون اروپا اعتراض خود را به گازپروم ارسال نمود و اعلام نمود که گازپروم قوانین حمایت از رقابت اتحادیه را نقض کرده است. این نقض قانون به دلیل آنست که گازپروم سیاست جداسازی بازارهای گاز را در ۸ کشور عضو اتحادیه اروپا در پیش گرفته است. این کشورها عبارتند از: بلغارستان، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، لهستان و اسلواکی. این جداسازی به گازپروم توانایی بالابردن قیمت گاز خود در ۵کشور از این ۸ کشور را داده است. در نهایت در می۲۰۱۸ توافق زیر حاصل شد:

کمیسیون اروپا ۴ شرط زیر را بعنوان شروط لازم الاجرا برای شرکت گازپروم اعلام کرد که این شروط برای هشت سال متوالی برقرار خواهد بود. اگر گازپروم هر یک از این

شروط را نقض کند متعهد می‌شود که جریمه‌ای بالغ بر ۱۰درصد از درآمد سالیانه خود را به اتحادیه بپردازد:

- حذف موانع قراردادی جریان آزاد گاز در اتحادیه
- تسهیل جریان گاز به/و/از بازارهای ایزوله شده
- اعمال فرآیند ساختارمند جهت حصول اطمینان از رقابتی بودن قیمت‌های فروش گاز
- عدم سرمایه گذاری در بازارهای غالب و مسلط

توافق در قرارداد فروش LNG در سال ۲۰۱۸

شرکت نفت قطر[1] بزرگترین تامین کننده LNG اروپا محسوب می‌شود که بیش از ۴۰ درصد از کل صادرات LNG به اروپا در اختیار این شرکت قرار دارد.[2]

کمیسیون اروپا بررسی‌های خود را در مورد اینکه قراردادهای بلندبلندمدت تامین LNG گاز به نواحی اقتصادی اروپا (EEA) شامل محدودیت‌های مستقیم یا غیرمستقیم شرط مقصد می‌باشند، را آغاز نموده است. موارد مورد بررسیف شامل موارد زیر می‌باشند:

- جلوگیری از تغییر مقصد محموله‌ها،
- تعریف قلمرو و ایجاد محدودیت سرزمینی برای هر محموله فروش LNG و
- محدود کردن حجم تحویل LNG که ممکن است برای مقاصد ثانویه ارسال شوند.

۴-۲- فرمول محاسبه قیمت گاز

در قراردادهای بلندمدت خرید و فروش گاز، روش‌های مختلفی برای محاسبه قیمت گاز وجود داردکه مهمترین آنها عبارتند از:

- قیمت گذاری مبتنی بر قیمت نفت[3]،
- رقابت گاز با گاز[4]،
- روش انحصار دوجانبه[1].

1. Qatar Petroleum
2. BP Annual Report 2021
3. Oil Price Escalation
4. Gas on Gas Competition

در روش قیمت گذاری مبتنی بر قیمت نفت، قیمت گاز از طریق یک قیمت پایه و یک ضریب تعدیل یا تشدید به قیمت نفت متصل می‌شود. قیمت گذاری گاز براساس قیمت نفت و با قراردادهای بلندمدت، از تاریخچه‌ای طولانی برخوردار است. همزمان با آغاز مصرف گسترده گاز در بخش خانگی به عنوان جایگزین نفت در دهه ۱۹۶۰، قیمت گذاری گاز بر اساس قیمت نفت صورت می‌گرفت. امروزه دیگر گاز صرفا به‌عنوان کالای جانشین نفت شناخته نمی‌شود و تقریبا هویت مستقل خود را یافته است، اما هنوز تولیدکنندگان اصلی گاز از فرمول قدیمی قیمت‌گذاری آن، به‌ویژه در هنگام افزایش نفت منتفع می‌گردند.

اصلی‌ترین مشکل روش قیمت گذاری نفت محور این است که نفت‌خام جایگزین کامل و متناظر گازطبیعی نیست و به درستی وضعیت عرضه و تقاضا و واقعیت بازار گازطبیعی را منعکس نمی‌کند. حتی گاهی شاهد آن هستیم که روند تحولات قیمت گازطبیعی و نفت‌خام در بازارهای جهانی کاملا متفاوت از یکدیگر عمل می‌کنند و حتی در یک راستا نیز نمی‌باشند و این موضوع محل مناقشات بسیاری قرار گرفته است.

در روش رقابت گاز با گاز، قیمت گاز مبتنی بر عرضه و تقاضا و طبق سازوکار بازار تعیین می‌شود و قیمت فروش به قیمت معامله گاز در یک بازار رقابتی مشخص متصل می‌شود.

روش قیمت‌گذاری انحصار دوجانبه بیشتر زمانی کاربرد دارد که یک یا هردو طرف قرارداد خرید و فروش گاز، شرکت‌های بزرگ انحصارگر باشند. در این روش قیمت گاز از طریق مذاکره و توافق بین طرفین در بازه‌های زمانی مشخص تعیین می‌شود. به‌عنوان نمونه طرفین قرارداد در ابتدای سال با هم مذاکره می‌کنند و قیمت گاز را برای سال پیش رو تعیین می‌کنند و چنانچه به توافق نرسیدند بسته به مورد یا از ادامه معامله صرفنظر می‌کنند و یا اینکه سایر سازوکارهای قیمت گذاری، فعال می‌شود.

نمودار ۲ سهم روش‌های مختلف قیمت گذاری را در قراردادهای فروش گاز از طریق خط لوله را در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد:

1 Bilateral Monopoly (BIM)

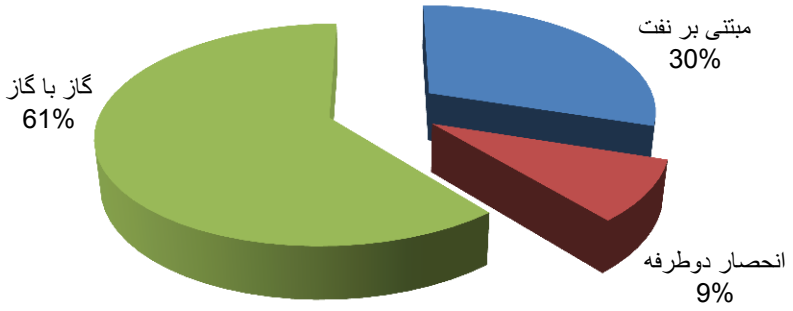

Source: IGU, 2019

نمودار ۲. سهم هر یک از روش‌های قیمت گذاری گاز در قراردادهای فروش از طریق خط لوله در دنیا

بیش از ۶۰ درصد از قراردادهای خرید و فروش گاز از طریق رقابت گاز با گاز قیمت گذاری می‌شوند و روش قیمت‌گذاری انحصاری کمتر از ۱۰ درصد را بخود اختصاص داده است. این قاعده در مورد قراردادهای صادرات گاز از طریق LNG صادق نمی‌باشد. طبق آمار جهانی، بیشترین سهم قیمت گذاری گاز در قراردادهای صادرات LNGرا قیمت‌گذاری مبتنی بر نفت اختصاص دارد.

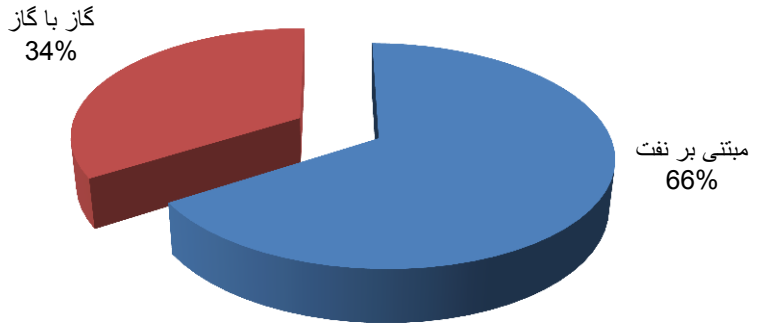

Source: IGU, 2019

نمودار ۳. سهم هر یک از روشهای قیمت گذاری گاز در قراردادهای فروش LNG در دنیا

طی سال‌های اخیر، بازار جهانی گاز دستخوش تغییرات قابل توجهی شده که بازار جهانی گاز را به سمت فضایی رقابتی‌تر و نسبتا یکپارچه سوق داده است.

در اتحادیه اروپا سهم روش قیمت‌گذاری مبتنی بر نفت که در سال ۲۰۰۵ حدود ۷۸درصد از قراردادها را شامل می‌شد در سال ۲۰۱۹به حدود ۲۲درصد کاهش یافته و

برعکس در همین مدت سهم روش قیمت‌گذاری مبتنی بر رقابت گاز با گاز از ۱۵درصد به ۷۶درصد افزایش یافته است[1]. این روند تغییر روش قیمت گذاری به نوعی در تطابق با تغییرات در ساختار بازار گاز اروپا و افزایش رقابت گاز با گاز است. قابل ذکر است که بازار اروپا از بخش‌های مختلف با درجه رقابت متفاوت تشکیل شده و در نتیجه این افزایش سهم روش قیمت‌گذاری مبتنی بر رقابت گاز با گاز در نقاط مختلف متفاوت است. به‌عنوان مثال در شمال غربی اروپا این سهم به بالای ۹۴درصد در سال ۲۰۱۹ رسیده است.[2]

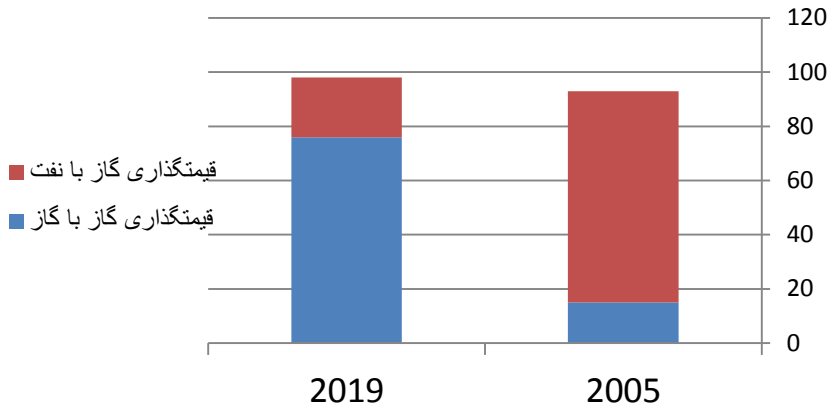

Source : International Gas Union 2020

نمودار ۴. درصد هریک از شیوه‌های قیمت گذاری طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۵

در چنین شرایطی سازوکارها و روش‌های سنتی برای قیمت گذاری گاز متناسب با واقعیات و تحولات بازارهای گاز نبوده و بخوبی جوابگوی شرایط موجود نمی‌باشند. درنتیجه منجر به چالش‌هایی در مبادلات و قراردادهای فروش گاز شده و به اختلاف بین خریداران و فروشندگان گاز بر سر توافق قیمت گاز دامن می‌زند. اساسا تاکنون هیچ روش قیمت‌گذاری واحدی را نمی‌توان یافت که بعنوان بهترین روش قیمت گذاری گاز معرفی گردد. از آنجایی که نفت و یا فرآورده‌های آن جانشین کامل و متناظر برای گاز طبیعی نیستند، قیمت‌گذاری بر مبنای نفت بالقوه مناقشه انگیز می‌باشد. به‌عنوان یک اصل کلی می‌توان گفت که چنانچه امکان قیمت‌گذاری مستقیم گاز به جای قیمت‌گذاری غیرمستقیم بر مبنای نفت فراهم باشد، این روش از اولویت بیشتری برخوردار است.

1. IGU, World LNG Report 2020, p.56-57
2. IGU, World LNG Report 2020, P.61

در شرایطی که واقعیات بازار جهانی گاز در حال تغییر می‌باشد و کم کم ارتباط و همبستگی قیمت گاز و نفت رو به کاهش گذاشته و قیمت گاز در جهان تا حدی از قیمت نفت مستقل شده است، گاز کماکان قراردادهای بلندمدت به قیمت نفت متصل است و روش‌های قیمت گذاری گاز، خود را با این تغییرات تطابق نداده و هنوز به روش‌های قیمت‌گذاری سنتی و قدیمی متکی می‌باشند. همین امر باعث بروز چالش‌ها و منازعاتی در بین خریداران و فروشندگان گاز می‌شود.

از طرفی قیمت گذاری گاز به کمک هاب گازی[1] نیز محدودیت‌های خاص خود را به همراه دارد و ممکن است که شرایط اقتصادی، تجاری و فنی بگونه‌ای باشد که قیمت‌گذاری به این شیوه را ممکن نسازد، یا ریسک‌ها و خطرات ناشی از آن را آنچنان افزایش دهد که روش‌های غیرمستقیم قیمت گذاری ترجیح داده شوند. در چنین شرایطی تعداد درخواست‌هایی که توسط یکی از طرفین قرادادهای بلندمدت گاز برای بازبینی قیمت گاز داده می‌شود، افزایش چشمگیری یافته و موجی از منازعات بازبینی قیمت به مراجع داوری ارجاع داده می‌شود. در زیر به بررسی چند نمونه از آنها می‌پردازیم:

در اتحادیه اروپا دادگاه قانون اساسی فدرال آلمان[2] این فرصت را داشته تا در مورد قانونی بودن بندهای مربوط به محاسبه و تعدیل قیمت در قراردادهای فروش گاز، که با قیمت نفت تعیین می‌شوند، بررسی نماید. در این رابطه پس از بحث ومجادله‌های بسیار، دادگاه به این نتیجه رسید که محاسبه قیمت گاز مبتنی بر قیمت نفت یا فرآورده به خودی خود، ممنوع نیست، اما چنانچه تحت تاثیر تغییر اساسی شرایط، قیمت محاسباتی گاز در قرارداد فروش بسیار بیشتر از قیمت گاز متعارف در بازار گردد و از این‌رو ضرر نامعقولی را متوجه خریدار نماید و نیز در طرف دیگر، بتواند سود نامتعارفی را عاید طرف فروشنده قرارداد نماید، طبق بند (۱)۳۰۷ قانون مدنی آلمان، آن قرارداد نامعتبر است.[3]

1. Gas Hub
2. Federal Constitutional Court
3. Art 307(1) of the German Civil Code (Test of reasonableness of contents) provides that: (1) provisions in standard business terms are ineffective if, ontrary to the requirement of good faith, they unreasonably disadvantage the other party to the contract with the user. An unreasonable disadvantage may also arise from the provision not being clear and comprehensive; (2) an unreasonable disadvantage is, in case of doubt, to be assumed to exist if a provision is not compatible with essential principles of the statutory provision from which it deviates, or limits essential rights or duties inherent in the nature of the contract to such an extent that attainment of the purpose of the contract is jeopardized; (3) subsections (1) and (2) above, and sections 308 and 309, apply only to provisions in standard business terms on the basis of which arrangements derogating from legal provisions, or arrangements supplementing those legal provisions, are agreed. Other provisions may be ineffective under subsection (1) sentence 2 above, in conjunction with subsection (1) sentence 1 above.

در ادامه به بررسی چند مورد از پرونده مطرح شده در مورد قیمت گذاری گاز میپردازیم:

الف) اختلاف بین گازپروم و Naftogaz

شرکت روسی گازپروم و شرکت اوکراینی نفت و گاز از سال ۲۰۰۹ قرارداد بلندمدت خرید و فروش گاز به مدت ۱۰سال با یکدیگر منعقد نمودند. در این قرارداد فرمول قیمت گذاری گاز بصورت ضریبی از قیمت گازوئیل و نفت‌کوره محاسبه می‌شد.[1] در بند بازبینی قیمت نیز آمده است که[2]:

«اگر هر یک از طرفین اعلام کنند که شرایط بازار سوخت و انرژی نسبت به روزی که قرارداد به توافق رسید به‌صورت اساسی تغییر کرده است، بگونه‌ای که فرمول قیمت‌گذاری موجود این تغییرات را پوشش نمی‌دهد، طرفین باید برای بررسی مجدد فرمول قیمت‌گذاری گاز وارد مذاکره شوند... ، اگر طرفین نتوانستند پس از ۳ ماه از تاریخ ارسال درخواست تجدیدنظر در قیمت‌گذاری گاز، به توافق برسند، هر یک از طرفین حق دارد تا موضوع را به داوری ارجاع دهد...».

در سال ۲۰۱۴ شرکت اوکراینی به استناد به بند بازبینی در قرارداد و دلایل حقوقی و قراردادی و همچنین ارائه دلایل اقتصادی خود مبنی برای اینکه شرایط بازار تغییر کرده و فرمول قیمت‌گذاری کنونی منعکس‌کننده شرایط حال نمی‌باشد، درخواست بازبینی قیمت را به شرگت گازپروم ارائه کرد. پس از رد این درخواست توسط گازپروم و عدم موفقیت مذاکرات طرفین، موضوع به داوری ارسال شد. پس از بررسی پرونده، مرجع داوری در حکم خود اعلام نمودند:

در قرارداد بصورت دقیق منظور از بازار سوخت و انرژی مشخص نشده است، اما از آنجائی‌که تغییرات گسترده‌ای در بازار انرژی و نفت و گاز اروپا رخ داده است (اینکه در واقعیت بازار، قیمت‌های نفت و گاز روندهای جداگانه‌ای را در پیش گرفته و از هم جدا شده‌اند) می‌توان قبول کرد که شرط تغییر اساسی بازار سوخت و انرژی تحقق یافته است. لذا رابطه قیمت‌گذاری قرارداد از رابطه مبتنی بر قیمت گازوئیل و نفت کوره به رابطه‌ای مبتنی بر قیمت گاز در بازارهای گاز اروپا تغییر می‌یابد.[3]

1. Naftogaz of Ukrain v Gazprom, 2017, P.38
2. Naftogaz of Ukrain v Gazprom, 2017, P.41
3. Naftogaz of Ukrain v Gazprom, 2017

ب) اختلاف بین Edison و Rasgas

در سال ۲۰۰۳ شرکت ایتالیایی Edison و شرکت Rasgas قطر قرارداد ۲۵ ساله خرید و فروش گاز را با یکدیگر منعقد نمودند. در این قرارداد نیز فرمول قیمت گاز به واسطه مرتبط شدن به قیمت نفت محاسبه می‌شد. پس از آنکه طبق قوانین اتحادیه اروپا، سنگ بنای آزادسازی بازار گاز در این منطقه گذاشته شد، به دلیل تغییرات ساختاری در بازار گاز، قیمت گاز در سال۲۰۱۱ در بازار اروپا روندی کاهنده را طی نمود. اما به دلیل آن‌که قیمت نفت تقریبا ثابت بود و تغییری نداشت، قیمت گاز خریداری شده توسط شرکت Edison نیز به‌واسطه فرمول محاسباتی وابسته به نفت، کاهش نیافت و از میانگین قیمت بازار اروپا بسیار بالاتر بود. در سال ۲۰۱۱ شرکت ایتالیایی درخواست بازبینی قیمت را به شرکت قطری ارائه داد و با به توافق نرسیدن طرفین، پرونده به داوری ارجاع شد.

مراجع داوری پس از بررسی درخواست شرکت Edison، با توجه به شرایط جدید در بازار گاز، درخواست شرکت ایتالیایی را موجه دانسته و به نفع شرکت Edison رای داد و شرکت Rasgas را ملزم نمودکه مبلغ ۴۵۰ میلیون یورو جریمه نقدی بدلیل گران‌فروشی به شرکت ایتالیایی پرداخت نماید.[1]

با افزایش چالش‌های قیمت‌گذاری گاز در اتحادیه اروپا، کشورهای عضو به سمت خرید LNG با قیمت‌های Spot روی آوردند. بر اساس گزارش کمیسیون اروپا در سال ۲۰۱۹ رکورد بالاترین حجم واردات LNG با میزان ۱۰۸ میلیارد متر مکعب[2] به اروپا به ثبت رسید. این رقم نسبت به سال قبل حدود ۴۲ درصد رشد داشت. نمودار زیر حجم معاملات Spot و قرارداد بلندمدت را طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

1. Mcnair Chambers, 2013, p.8
2. BCM

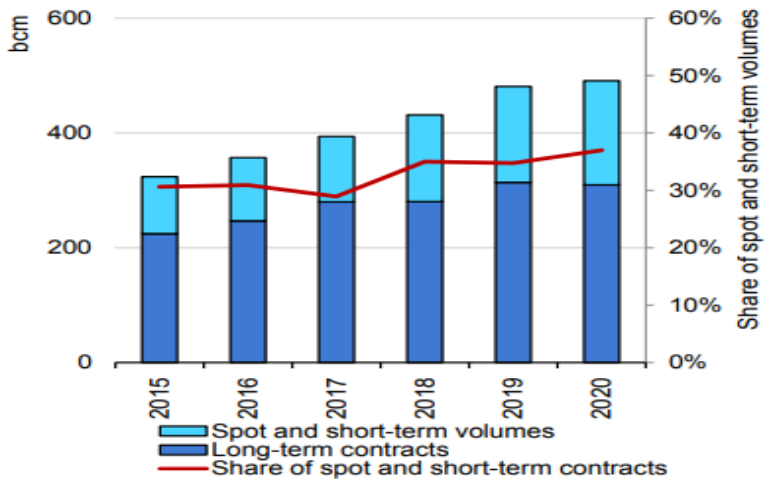

Source: IEA analysis base on ICIS 2021

نمودار ۵. نسبت قراردادهای بلندمدت در مقایسه با قراردادهای کوتاه مدت خرید گاز

همان‌گونه که در نمودار۵ مشاهده می‌شود روند تجارت گاز Spot و قراردادهای کوتاه‌مدت افزایشی و برعکس آن روند تجارت قراردادی بلندمدت، کاهشی می‌باشد. قراردادهای بلندمدت، بدلیل آنکه غالبا همراه با آماده‌سازی مناسب برای بستر انتقال گاز میباشد و هزینه‌های عمده از قبیل هزینه نصب خطوط لوله گاز را در پی دارند، بدیهی است که از الویت بالاتری برای تجارت گاز برخوردارند. اما مادامیکه قیمت گاز Spot پایین‌تر از قیمت گاز قراردادی باشد، بخت خود را بصورت مقطعی از دست میدهند و خریداران به سمت خرید Spot می‌روند. اما تکیه بر بازارهای تک محموله تا چه میزان می‌تواند امنیت تقاضا را در سمت تولیدکنندگان حفظ نماید و انگیزه سرمایه‌گذاران را برای سرمایه گذاری‌های کلان در بخش بالادستی کاهش‌ندهد، هنوز در هاله‌ای از ابهام می‌باشد.

به کارگیری نامناسب فرمول قیمت گذاری گاز و نمایه‌سازی قیمت نفت در قیمت گاز در قراردادهای بلندمدت، به‌تدریج کارایی خود را از دست می‌دهد. اما برخلاف تغییرات اساسی دیگر در ساختار بازار انرژی اتحادیه اروپا، این تغییر توسط مجریان و یا کمیسیون اروپا اعمال نمی‌شود، بلکه توسط خود بازار هدایت می‌شود.

باید توجه داشت که قیمت‌گذاری گاز را نمی‌توان بصورت مجزا از سایر بندهای قرارداد در نظر گرفت. یکی از مهمترین عوامل موثر در این زمینه، نحوه توزیع ریسک در

قرارداد می‌باشد. مثلا چنانچه در قراردادی فرمول قیمت‌گذاری بر مبنای هاب گازی در منطقه، تدوین شود، بدون شک ریسک قیمتی خریدار کاهش می‌یابد، چرا که خریدار عمده، گاز را به قیمت هاب به مصرف کننده نهایی می‌فروشد و همواره گاز را متناسب با همان قیمتی که خریداری نموده، به مصرف‌کننده می‌فروشد. در عوض ریسک قیمت به صورت کامل به فروشنده اصلی گاز تحمیل می‌شود. برعکس، چنانچه در سازوکار قیمت‌گذاری گاز، به واقعیت‌های بازار مصرف هدف و خریدار نهایی توجه کافی نشده باشد، ریسک خریدار افزایش می‌یابد و ممکن است گاز را با قیمتی بالاتر از قیمت فروش به مصرف کننده نهایی، خریداری نماید و متضرر گردد.

بنابراین لازم است که در قراردادهای خرید و فروش، تمهیداتی در این زمینه در نظر گرفته شود. وجود شرط بازبینی قیمت به‌گونه‌ای که یکی از طرفین قرارداد به تنهایی در معرض ریسک غیر عقلایی قرار نگیرد، در ایجاد ریسکی متعادل برای طرفین حائز اهمیت است.

۴-۳- مدت زمان قرارداد و حجم محموله گازی

قراردادهای بلندمدت مورد استفاده در تامین گاز در بخش بالادستی گاز طبیعی، به طور سنتی با ساختار قراردادی مشابه، در بازارهای پایین دستی، منعکس شده است. در این فرآیند، مشتریان گاز طبیعی در اتحادیه اروپا از طریق قرارداد بلندمدت در یک بازه زمانی مشخص به تولیدکننده خاصی قفل می‌شوند. از طرفی همین خریدار گاز از سوی دیگر بعنوان عرضه کننده با انعقاد قراردادهای بلند مدت با مشتریان محلی، به ویژه مشتریان صنعتی، متقاضیان را به عرضه گاز از طریق خود قفل می‌کند.

اما کمیسیون اروپا معتقد است که این ساختار ممکن است ضررهای قابل توجهی در بهره‌وری ایجاد کند و باعث متضررشدن مصرف کنندگان شود. قراردادهای بلندمدت پایین دستی، توانایی مشتری در انتخاب تأمین کننده خود را کاهش می‌دهد و این قراردادهای بلند مدت فروش گاز، پتانسیل ظهور ساختار بازار رقابتی را کمرنگ می‌نماید.

با توجه به انحصاری بودن بازار گاز، مفهوم حق دسترسی اشخاص ثالث به عنوان مقدمه ایجاد رقابت در بازار انرژی، در مقررات پیش‌بینی شده است، زیرا با توجه به

انحصاری بودن بازار گاز، بدون پیش‌بینی امکان دسترسی اشخاص دیگر به شبکه انتقال و توزیع گاز، رقابت آزاد، امری بعید و دور از ذهن به نظر می‌رسد.

علی رغم اینکه در هیچ یک از مقررات، تعریف دقیقی از مفهوم حق دسترسی شخص ثالث مطرح نشده، از محتوای دستورالعمل‌ها و مقررات وضع شده، می‌توان استنباط کرد که مفهوم دسترسی شخص ثالث، اشاره به حقوقی دارد که به تأمین‌کنندگان انرژی یا مصرف کنندگان اعطا می‌شود که به وسیله آن بتوانند از شبکه برق یا گاز که کنترل آن در دست دیگری است استفاده کرده و تجارت خود را داشته باشند. از طرفی اشخاص ثالث برای ورود به بازار انرژی باید بتوانند به تسهیلات و زیرساخت‌هایی دسترسی پیدا کنند که از طریق آن‌ها خدمات خود را به مصرف کنندگان برسانند. این تسهیلات، تسهیلات ضروری[1]، نام دارند. طبق ماده ۱۰۲ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا، خودداری از دسترسی اشخاص ثالث به چنین تسهیلاتی، مصداق سوء استفاده اشخاص از موقعیت مسلط و انحصاری خود تلقی می‌شود که به‌عنوان رفتار ضدرقابتی ذاتی به شمار می‌رود. انعقاد قراردادهای بلندمدت با شروط تحویل یا پرداخت نیز موجب ایجاد موقعیت مسلط برای عرضه کنندگان گاز و کاهش انگیزه رقبای بالقوه برای ورود به بازار انرژی می‌شود، چرا که در مدتی که مصرف‌کننده با تامین‌کننده خود قرارداد تامین انرژی به مدت طولانی منعقد می‌کند، رقیب دیگر نمی‌تواند وارد بازار شود و اصل رقابت در بازار اروپا تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

در واقع، هر چه قرارداد منعقد شده بین تامین کننده و مصرف کننده بلندمدت‌تر باشد، فرصت ورود دیگر تأمین کنندگان و نیز به نسبت، قدرت انتخاب مصرف‌کنندگان کمتر می‌شود. از طرفی انعقاد این گونه قراردادها جهت امنیت عرضه گاز در بازار اروپا ضروری است. لذا کمیسیون اتحادیه اروپا ضمن اعتقاد به عدم ممنوعیت انعقاد این قراردادها، طبق ماده ۸۲ معاهده اتحادیه اروپا (ماده ۱۰۲ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا) در مواردی طرفین قراردادهای بلندمدت را ملزم می‌نماید که برخی از مفاد آن را که مخالف حقوق رقابت است تغییر دهند.

1. Essential Facilities

در این ارتباط دو پرونده شاخص که در کمیسیون اروپا در خصوص تعارض قراردادهای بلندمدت فروش گاز با حقوق رقابت مطرح شده عبارتند از: Distrigaz و E.ON Ruhrgas.

Distrigaz قسمتی از پروژه Suez Group است که برای تامین الکتریسیته و برق، گازطبیعی مورد نیاز بلژیک را تامین می‌نمود. علاوه بر این طبق قرارداد منعقده در ۲۲ ژوئن ۱۹۹۸ بین Distrigaz با دولت بلژیک، این شرکت اجازه داشت که گاز را به بلژیک انتقال داده و در مخازن زیرزمینی در این کشور ذخیره نماید و به‌عنوان تنها عرضه‌کننده در بازار داخلی بلژیک تقاضای، تمامی مشتریان این بازار را تامین نماید. بعد از آزادسازی انرژی در اروپا، Distrigaz همچنان به‌عنوان بزرگترین و تنها عرضه‌کننده گاز در بلژیک باقی ماند. این شرکت علاوه بر بلژیک، در فرانسه، آلمان و هلند نیز فعالیت زیادی داشت که گردش مالی آن در سال ۲۰۰۶ حدود ۵ میلیارد یورو بودکه حدود ۳/۶ میلیارد یورو آن مربوط به فعالیت در بلژیک بود.[1]

کمیسیون اروپا در رابطه با قراردادهای عرضه گاز توسط Distrigazبا مشتریان صنعتی به‌عنوان عرضه‌کننده انحصاری، ابراز نگرانی کرد و آن‌را مغایر با ماده ۱۰۲ TFEU[2] در زمینه فعالیت‌های گازرسانی دانست. لذا کمیته‌ای جهت تحقیق و بررسی در مورد فعالیت Distrigaz در بلژیک تشکیل شد. ارزیابی اولیه نشان داد که این شرکت در عرضه گاز به مشتریان بزرگ در بلژیک، دارای موقعیت غالب است. از آنجا که فقط یک منبع تأمین گاز در بلژیک وجود داشت، رقابت برای عرضه کنندگان جدید و مشتریان فقط در صورت انعقاد قراردادهای جدید رخ می‌نمود. در آن زمان، Distrigaz به کمک استفاده از قراردادهای بلندمدت، دامنه رقابت را برای سایرین به‌شدت محدود کرده بود و در نتیجه امکان ورود عرضه‌کنندگان جدید به بازار وجود نداشت. به ویژه، اثر ترکیبی قراردادهای بلندمدت (چندین قرارداد بلندمدت با مشتریان مختلف) در بازار باعث شد که کار برای ورود عرضه کنندگان جدید به شدت سخت و پیچیده گردد.

1. Case COMP/B-1/37699-Distrigaz
2. Treaty on the Functioning of the European Union

کمیته تحقیق همچنین در بررسی خود، به کلیات قراردادهای بلندمدت و روش‌های ارزیابی آنها نیز پرداخت و به کمیسیون اعلام نمودکه در این تحقیق به مدت زمان قرارداد، اثر تجمعی قراردادها و سهم قابل دستیابی از بازار توجه داشته است.

علاوه بر این، کمیته منتخب مواردی مانند قدرت متقابل خریدار، ماهیت مشتری و سایر موانع ورود را بررسی نمود. کمیسیون اروپا پس از دریافت گزارش این کمیته، به ارزیابی قراردادهای عرضه گاز از دیدگاه قانون رقابت اتحادیه اروپا پرداخت و در نهایت در سال ۲۰۰۷ دادگستری بلژیک با توجه به نظر کمیسیون اروپا و قانون رقابت در این اتحادیه، اعلام کرد انعقاد قرارداد بلندمدت شرکت یادشده، موجب کم شدن رقابت در بازار پایین‌دستی گازطبیعی می‌شود و تشخیص داد که سهم بالای این شرکت در قراردادهای منعقده، در تعارض آشکار با قواعد رقابتی اروپا بوده و لذا شرکت یاد شده را ملزم نمودکه سهم خود را از ظرفیت کل واردات کاهش داده تا شرایط ورود اشخاص ثالث به بازار فراهم شود. همچنین دادگاه اعلام کرد که در مورد قراردادهای بلندمدت دو عامل حجم و مدت را می‌بایست با هم در نظر گرفت. از این‌رو قراردادهای بلندمدت با فروشندگان عمده گاز با حجم بالا نمی‌تواند طولانی‌تر از دو سال باشد. این مدت برای کاربران صنعتی و تولید کنندگان برق حداکثر پنج سال تعیین گردید.

رای دادگاه برای پرونده Distrigas شامل قراردادهایی بود که برای چهار سال یا کمتر از آن منعقد شده بود و پس از آن هیچ قرارداد جدید عرضه گاز بیش از دو سال و هیچ قرارداد جدیدی با واحدهای صنعتی و تولیدکنندگان برق برای مدت بیش از پنج سال منعقد نشد. با صدور این رای، Distrigas در سال ۲۰۰۸ فقط توانست ۳۰ درصد از کل حجم بازار گاز بلژیک را در چارچوب قراردادهای بلند مدت (بیش از یک سال) تامین نماید.

رای پرونده Distrigaz، بصورت الگویی برای انطباق قراردادهای بلندمدت تامین گاز با قانون رقابت اتحادیه اروپا، مورد استناد و مبنای بسیاری از قراردادهای گازطبیعی پایین‌دست قرار گرفت و از این‌رو حائز اهمیت می‌باشد. در بررسی یک قرارداد، بایستی موارد ذیل مورد توجه قرار گیرند:

- حجم قرارداد در مقابل کل تقاضای مشتری،
- حجم قرارداد در مقابل کل حجم فروخته شده توسط عرضه کننده،

- حجم قرارداد در مقایسه با حجم کل بازار محلی (همانند پرونده Distrigas)،
- اختلاف میان حجم تحویل شده و حجم قرارداد.

کمیسیون در پرونده شرکت E.ON Ruhrgas از منطق مشابهی پیروی کرد و پس از ابراز نگرانی در خصوص نقض مقررات اتحادیه اروپا توسط این شرکت، با داشتن موقعیت مسلط ناشی از قرارداد بلندمدت خرید گاز، پیشنهاد داد که سهم این شرکت از ظرفیت قراردادهای بلندمدت، کاهش یابد که برای انعقاد قرارداد بلندمدت تأمین گاز، آستانه مجازحجم و مدت زمان قرارداد را با هم بررسی نمود. بر این اساس، اعلام شد که قراردادهای تأمین گاز با بیش از دو سال و پوشش بیش از ۸۰ درصد از کل تقاضای مشتری و قراردادهای تأمین با شرایط مدت زمان بیش از چهار سال و حجم بیش از ۵۰ درصد از کل تقاضای مشتری، ضد رقابتی تلقی می‌شوند و مجاز نمی‌باشند. به عبارت دیگر، در شرایطی که عرضه کننده‌ای بخواهد ۵۰ تا ۸۰ درصد از کل نیاز مشتری را پوشش دهد، نمی‌تواند قراردادی بیش از یک دوره چهار ساله منعقد نماید.

برای قراردادهایی که بیش از ۸۰ درصد از کل تقاضای مورد نیاز مشتری را پوشش می‌دهد، حداکثر مدت دو سال پذیرفته می‌شود. ضمنا در مورد محاسبه حجم، کلیه قراردادهای تأمین بین یک تامین‌کننده و یک مشتری به عنوان یک قرارداد واحد در نظر گرفته می‌شود. ضمنا اعلام گردید که این تصمیم به عنوان الگویی برای کل بخش گازطبیعی در آلمان قابل اعمال است.

این دو پرونده شباهت‌های قابل توجهی با هم داشتند. اولا هویت خریدار هنگام ارزیابی و تعیین مدت زمان قرارداد به‌عنوان عاملی مهم در نظر گرفته می‌شود. در هر دو پرونده برای احجام قراردادی بلندمدت زمان قرارداد نمی‌تواند بیش از دو سال باشد و حداکثر مدت قرارداد انحصاری تامین گازطبیعی حدود پنج سال تعیین شد و پس از این زمان به مشتریان حق فسخ یک طرفه قراردادهای بیش از پنج سال داده شد.

۴-۴- شرط Take or Pay

بندTake or Pay شرطی است که اغلب در قراردادهای بلندمدت فروش گازطبیعی پیش‌بینی می‌شود و به موجب آن، خریدار گازطبیعی یا LNG را ملزم می‌شود تا گاز را دریافت و قیمت آن ا پرداخت کند و چنانچه فروشنده گاز را در دسترس خریدار قرار

داد، خواه خریدار دریافت و برداشت کرده یا نکرده باشد، باید قیمت آن را به فروشنده، پرداخت نماید. این شرط باعث می‌شود تا ریسک فروشنده کاهش یابد، چرا که گاز استخراج شده از مخازن اگر به خریدار انتقال نیابد، هزینه بالای انبارداری را برای تولیدکننده به‌همراه خواهد داشت و بند T.O.P در قراردادهای بلندمدت فروش گاز، این ریسک را برای تولیدکننده کاهش می‌دهد.

شرط Take or Pay به طور گسترده‌ای در قراردادهای خرید و فروش گازطبیعی استفاده می‌شود. به عنوان نمونه، مضمون زیر در اغلب قراردادها دیده می‌شود:

اگر مشتری حداقل تعهد خرید را رعایت نکرد، موظف است بهای حجمی از گاز را که برداشت نکرده را با میانگین قیمت قرارداد مربوطه ، پرداخت کند.

با گنجانیدن این شرط در قراردادهای خرید و فروش گاز، فروشنده این امکان را دارد که برای بار دوم حجم گازی را که خریدار توانایی دریافتش را نداشته، در بازاردیگری بفروش رساند و از سود سرشار آن بهره‌مند گردد. این شرط به تولیدکنندگان چنان اطمینان خاطری می‌دهد که بعضا می‌توانند بابت یک محموله، دو بار معادل قیمت آن را دریافت نمایند، یک‌بار بابت جریمه نمودن طرف قرارداد بلندمدت به واسطه بند T.O.P و سپس بابت فروش همان گاز به مشتری دیگر.

سرمایه‌گذاران پروژه‌های بزرگ گاز، با توجه به حجم فروش و سود پروژه در بلندمدت، حاضر به سرمایه‌گذاری هستند و غالبا قبل از سرمایه‌گذاری در پروژه، می‌بایست از انعقاد قرارداد بلندمدت با خریدار گاز اطمینان حاصل نمایند. گنجانیدن شرط Take or Pay در قراردادهای فروش گاز، سال‌های زیادی است که توانسته زمینه لازم برای ایجاد انگیزه سرمایه گذاری برای تامین مالی پروژه‌های گازی، بخوبی فراهم نماید.

غالبا این شرط در قراردادهای بلندمدت فروش گازطبیعی گنجانیده می‌شود. گاز تولیدی از طریق خط‌لوله یا پس از تبدیل شدن به LNG، به خریدار منتقل می‌شود. ایجاد تاسیسات انتقال گاز، مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت و سرمایه‌گذاری عظیم است. با توجه به سرمایه عظیمی که صرف احداث خطوط‌لوله و تاسیسات مایع سازی گازطبیعی برای تولید LNG و سایر تجهیزات لازم برای انتقال گاز می‌شود، فروشندگان ترجیح می‌دهند که مدت طولانی‌تری از این تجهیزات استفاده کنند. ویژگی

طولانی‌مدت‌بودن قراردادها، خواسته یا ناخواسته موجب تغییر قیمت گاز می‌شود و پیش‌بینی صحیح قیمت در زمان انعقاد قرارداد برای طرفین قرارداد بسیار مشکل است. اما این چارچوب، تسهیل در امنیت برنامه‌ریزی (حداقل اطمینان از فروش گاز در آینده) از طریق میسر کردن حداقل جریان گاز (فروش حداقلی گاز) و تضمین پرداخت در قبال آنرا به دنبال دارد. فروش حداقلی گاز می‌تواند برای تولیدکنندگان (یا تامین مالی کنندگان پروژه) از این نظر مهم باشد که اطمینان حاصل کنند که سرمایه‌گذاری انجام شده در توسعه و تولید گاز و زیرساخت‌های انتقال، قابل بازیابی است. تضمین حداقلی جریان گاز و فروش آن می‌تواند به سود خریدارانی که نیازمند امنیت عرضه هستند و به دنبال امنیت عرضه انرژی هستند نیز باشد.

با توجه به رویکرد اتحادیه اروپا در مورد آزادسازی بازار انرژی و رویکرد نظارتی و اجرای قوانین ضدرقابت[1]، بنظر می‌رسد حساسیت چندانی در خصوص انعقاد قراردادهای بلندمدت با شرط Take or Pay ندارد و بدلیل ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری در این صنعت، آن‌را در راستای منافع این اتحادیه می‌بینند.

در سال ۲۰۰۷ کمیسیون اروپا فرصتی را برای گروه مطالعاتی خود فراهم نمود تا با توجه به دو رویکرد نظارتی و اجرای دقیق قوانین ضدرقابت، قراردادهای بلند مدت با وجود بند Take or Pay را از این منظر مورد بازبینی قراردهد.[2] در حین انجام این تحقیق، از ذینفعان، کارشناسان حقوقی و اقتصادی متعددی در خصوص مناسب بودن یا نبودن این گونه شروط قراردادی و همراستا بودن آن با قوانین رقابت در این اتحادیه نظرخواهی شد.

خریداران ثابت و عمده گاز معتقدند که با توجه به انعطافی که به واسطه اطمینانی که شرط Take or Pay به فروشندگان می‌دهد و ریسک بالایی که توسط خریداران پذیرفته می‌شود، این امکان را به خریداران می‌دهد که از امنیت عرضه برخوردار گردند و نگران کمبود گاز مصرفی خود نباشند.

شرط Take or Pay منعکس کننده وجود خریداری است که تضمینی برای خرید حداقلی گاز ارائه داده است. خریدار حق دارد گاز کمتر یا بیشتر از مقدار دقیق Take or

1. Antitrust
2. European Commission, DG Competition report on energy sector inquiry (SEC(2006) 1724) 10 January 2007.

Pay را مطالبه کند، خریدار به طور معمول ۸۰ تا ۱۱۰ درصد از تعهد سالانه توافق شده را می‌تواند طی یکسال و گاهی چند سال در توافق با فروشنده، دریافت نموده و تسویه نماید[۱].

اما این شرط مخالفانی نیز در اتحادیه اروپا دارد. آنها معتقدندکه این شرط وجود بازارهای عمده فروشی را نادیده می‌گیرد و دقیقا به‌دلیل وجود این بازارها، این شرط غیرضروری است. شرکت‌ها می‌توانند از بازارهای عمده‌فروشی برای مدیریت ریسک حجم گاز تولیدی استفاده کنند. بدیهی است که این موضوع به زیرساخت‌های فرامرزی کافی نیاز دارد تا بازاری گسترده‌تر از بازار داخلی ایجاد شود و بنابراین علی‌رغم وجود بازار رقابتی و خریداران، شرایط برای همه فروشندگان مهیا نیست و تنها فروشندگانی که دسترسی به بازارهای عمده گاز دارند می‌توانند از آن بهره‌مند شوند[۲].

در یک اعلامیه مطبوعاتی مرتبط، کمیسیون نظر خود را در مورد قراردادهای فروش گاز طولانی مدت با شرطTake or Pay اینچنین اعلام کرد: «انعقاد قراردادهای بلندمدت فروش گاز به خودی خود، قوانین رقابت در این اتحادیه را نقض نمی‌کنند بلکه در راستای سیاست‌های تامین انرژی و امنیت عرضه آن، قراردادهای گازی بلندمدت نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. اما به‌کارگیری شروط قراردادی نامناسب می‌تواند سبب شود که بخش عمده‌ای از گازی که وارد اتحادیه می‌شود، حبس شده و بلااستفاده قرار گیرد، این موضوع می‌تواند خریداران نوظهور را متاثر نموده و از خرید محروم نماید. از این‌رو برخی از شرایطی که در این قراردادها دیده می‌شود، می‌تواند به‌عنوان شروط ضدرقابت تلقی گردد. مثلا اعمال شرط Take or Pay همزمان با اعمال شرط محدودیت‌های منطقه‌ای می‌تواند عاملی منفی و بازدارنده از فروش مجدد گاز توسط خریدار اول گردد که می‌تواند حجم زیادی از گاز را در مکانی که مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، موقتا حبس نموده و حتی باعث کمبود گاز در سایر مناطق و نهایتا افزایش قیمت گردد. اما با توجه به نیاز گسترده این اتحادیه به گاز، اهمیت سرمایه‌گذاری‌های عظیم در بخش بالادستی این صنعت قابل چشم‌پوشی نیست و تلاش می‌شود تا انگیزه‌های مناسبی را برای سرمایه گذاران ایجاد نماید.[۳]»

1 Ibid.,P.209
2 Ibid., P.209 and 210
3. Energy sector competition inquiry- final report- frequently asked questions and graphics (MEMO/07/15, 10.1.2007).

این نظر اتحادیه اروپا به خوبی رویکرد اتحادیه را در مورد قراردادهای Take or Pay بیان می‌کند. در واقع اعلام شد که قراردادهای شامل بند Take or Pay نه تنها مورد قبول این اتحادیه است بلکه نیاز به انعقاد این قراردادها همچون گذشته وجود دارد، بنابراین نظر اتحادیه کاملا مثبت ارزیابی می‌شود.

اهمیت قراردادهای بلندمدت گازی در قوانین اتحادیه اروپا کاملا شناسایی شده است. بند ۳۲ از برنامه اجرایی[1] 2009/73/EC در مورد قواعد معمول برای بازارهای داخلی گازطبیعی به وضوح بیان می‌دارد که قواعدی که وضع می‌شوند به هیچ عنوان نمی‌بایست مانع انعقاد قراردادهای بلندمدت فروش گاز گردند[2]. البته در انعقاد قراردادها می‌بایست تطابق آنها با قوانین رقابت اتحادیه کاملا رعایت شود.

در دستورالعمل سال ۱۹۹۸ و نیز در سال ۲۰۰۳ اتحادیه اروپا در مورد گاز، بر اهمیت قراردادهای بلندمدت عرضه گاز برای تامین انرژی اروپا تاکید شده[3] و در دستورالعمل گازی سال ۲۰۰۸ نیز ذکر شده که برنامه‌ریزی بلندمدت برای انجام خدمات عرضه گاز ضروری است و باید در این قراردادها امکان دسترسی اشخاص ثالث فراهم گردد.

در دستورالعمل بازار گاز سال ۲۰۰۳ آمده که قراردادهای بلندمدت بخش مهمی بعنوان تامین عرضه گاز برای کشورهای عضو اروپا محسوب می‌شوند و می‌بایست به عنوان گزینه‌ای مهم، تا زمانی که قوانین رقابت اتحادیه را جهت برقراری بازار گاز یکپارچه و رقابتی، نقض نمی‌کنند، حفظ شوند[4].

مجددا در مصوبه گازی سال ۲۰۰۹ نیز این موضوع تکرار و تاکید شده است که: قراردادهای بلندمدت همچنان بخش مهمی از عرضه گاز به کشورهای اتحادیه اروپا محسوب می‌شوند و مادامی که حقوق رقابت را نقض نمی‌کنند و با قواعد رقابتی اتحادیه

1. Directive
2. Directive 2009/73/EC of the European Parlimament and of the Council of 13 July 2009 concerning common rules for the internal market in natural gas and repealing Directive 2003/55/EC (OJ L 211, 14.8.2009,P.94).
3. Directive 98/30/EC of the European Parlimament and of the Council of 22 June 1998 concerning common rules for the internal market in natural gas (OJL 204, 21.7.1998,P.1), preamble 13.
4. Directive 2009/73/EC of the European Parliament and of the Council of 13 July 2009 concerning common rules for the internal market in natural gas and repealing Directive 2003/55/EC (OJ L 211, 14.8.2009,P.94), preamble 42.

سازگار هستند، می‌بایستی بعنوان گزینه مناسب برای امنیت عرضه گاز کشورهای عضو درنظر گرفته شوند[1].

بنابراین با توجه به قراردادهای بلندمدت منعقد شده می‌توان برای ظرفیت عرضه و انتقال گازطبیعی در این اتحادیه برنامه‌ریزی نمود.

بعلاوه در این دستورالعمل آمده که با توجه به نیاز اتحادیه، گازطبیعی از کشورهای تولیدکننده و ثالث به‌صورت فزاینده‌ای در حال ورود به کشورهای عضو اتحادیه می‌باشد. قوانین اتحادیه می‌بایست ویژگی‌های گازطبیعی را که شامل تمرکز عرضه‌کنندگان و نیاز به فراهم ساختن زیرساخت‌های انتقال و سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی این صنعت می‌باشد را مدنظر قرار دهند. بنابراین شفافیت بیشتری در قراردادها خصوصا در مورد تعیین قیمت گاز، مورد نیاز است[2].

دستورالعمل سوم بازار گاز برخی معافیت‌ها را برای ذینفعان قراردادهای شامل بند Take or Pay در زمینه دسترسی اشخاص ثالث در نظر گرفته است. اولین ارجاع به این معافیت‌ها در ماده ۳۵ ارائه شده که به شرکت‌ها اجازه می‌دهد که دسترسی اشخاص ثالث را در موارد زیر قطع نمایند:

(۱) کمبود و عدم وجود ظرفیت،

(۲) هنگامیکه که فراهم نمودن این دسترسی، مانع از انجام تعهدات مربوط به ارائه خدمات عمومی شود،

(۳) چنانچه موجب مشکلات شدید اقتصادی و مالی برای انجام تعهدات Take or Pay شود.

همانطور که مشاهده می‌شود بنظر می‌رسد که شرط Take or Pay به عنوان یک روش مشروع تقسیم ریسک پذیرفته شده است. در ادامه در ماده ۴۸ نیز آمده است: "چنانچه شرکت گازطبیعی به دلیل تعهدات مربوط به Take or Pay در یک یا چند قرارداد خرید گاز، با مشکلات جدی اقتصادی و مالی روبرو شود، می‌تواند به استنباط از

1. Directive 2003/55/EC of the European Parliament and of the Council of 26 June 2003 concerning common rules for the internal market in natural gas and repealing Directive 98/30/EC (OJ L 176, 15.7.2003,P.57), preambles 7-8 and 25

2. Directive 2009/73/EC of the European Parliament and of the Council of 13 July 2009 concerning common rules for the internal market in natural gas and repealing Directive 2003/55/EC (OJ L 211, 14.8.2009,P.94), preamble 37.

ماده ۳۲، دسترسی اشخاص ثالث را موقتا قطع نماید. قطع دسترسی با تایید مقام صلاحیت‌دار تعیین شده و طبق برنامه از قبل اعلام شده می‌باشد و در صورتی که شرکت عرضه‌کننده گاز، دسترسی‌ها را محدود یا مسدود نماید، مشمول پرداخت هزینه به اشخاص ثالث نمی‌باشد. البته تقاضای کاهش دسترسی از طرف شرکت گاز و یا تقاضا برای فسخ موقت قرارداد خود برای دسترسی دادن به اشخاص ثالث، همراه با کلیه اطلاعات مربوط به ماهیت و میزان مشکل و تلاش‌های شرکت گازطبیعی برای حل مشکل، می‌بایست قبل از هر اقدامی برای مراجعه ذیصلاح ارسال گردد. این تقاضا توسط مقامات ملی می‌بایست به کمیسیون اروپا اطلاع داده شود. کمیسیون طی ۸ هفته تقاضا را مورد بررسی قرار داده و در مورد آن تصمیم‌گیری می‌کند.

مواردی که کمیسیون در بررسی هر پرونده در نظر می‌گیرد شامل موارد زیر است:

- کاهش نگرانی‌ها در مورد حصول بازار گاز رقابتی در آن منطقه،
- حصول اطمینان لازم برای تامین امنیت انرژی مردم،
- جایگاه واقعی تعهدات گازی شرکت مذکور در بازار گاز و وضعیت عملی رقابت در این بازار،
- میزان جدی بودن مشکلات مالی و اقتصادی مطرح شده از طرف شرکت، به‌واسطه دسترسی اشخاص ثالث،
- تلاش‌های انجام شده جهت حل مشکل موجود،
- تخمین ابعاد و دامنه گستردگی مشکلات ایجاد شده چنانچه درخواست مورد پذیرش قرار گیرد[1].

بنابراین با توجه به این‌که قراردادهای بلند مدت شامل بند Take or Pay به‌عنوان قراردادهایی که می‌توانند امنیت عرضه را در اروپا افزایش دهند، شناخته می‌شوند. کشورهای عضو اتحادیه همه تلاش خود را برای تداوم این قراردادها انجام خواهند داد و چنانچه عمل به تعهدات این قراردادها باعث قصور در سایر تعهدات ملی آن‌ها گردد، ترجیحا آن تعهدات را موقتا لغو می‌کنند تا موانع بر سر راه اجرای تعهدات قراردادی

1. Article 48 (3) of the Directive 2009/73/EC of the European Parliament and of the Council of 13 July 2009 concerning common rules for the internal market in naternal market in natural gas and repealing Directives 2003/55/EC(OJL 211, 14.8.2009, P.94)

Take or Pay را از میان بردارند. این نشان‌دهنده میزان اهمیت و اولویت دادن اتحادیه اروپا به این‌گونه قراردادها می‌باشد.

دستورالعمل‌های متعدد در مورد بازار گاز اتحادیه اروپا، به سوال مطرح شده در مورد تطابق قراردادهای بلندمدت Take or Pay با قوانین رقابت اتحادیه اروپا، پاسخ آشکاری داده است. در طول سال‌ها، کمیسیون اروپا از هر فرصتی برای بررسی این‌گونه قراردادها استفاده کرده است. اگرچه در بسیاری از بررسی‌ها مشخص شده که برخی از شروطی که بطور سنتی در این‌گونه قراردادها استفاده می‌شوند، با قانون رقابت اتحادیه اروپا در تقابل هستند، اما از آنجا که قراردادهای بلندمدت (از جمله تعهدات Take or Pay) از لحاظ تجاری بخشی از استراتژی تأمین‌کنندگان گاز اتحادیه اروپاست و امنیت عرضه را تضمین می‌نماید، باعث تامل بیشتر برای هرگونه تغییر رفتاری در قراردادها با توجه به تغییر تقاضا و رقابت در این اتحادیه می‌گردد[1].

در سال ۲۰۱۰ پرونده فروش گاز در دادگاهی در اتحادیه اروپا مطرح گردید که در آن قرارداد، شرط مربوط به محدودیت فروش مجدد و همزمان بند Take or Pay وجود داشت. از منظر قانون رقابت این قرارداد مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا شرط Take or Pay از منظر عملکردی مورد بررسی قرار گرفت و دلیل اصلی شکل‌گیری آن مورد مداقه قرار گرفت. پس از بررسی‌های لازم، سرانجام دادگاه آلمان اعلام نمود که گنجانیدن همزمان دو شرط Take or Pay و شرط ممنوعیت فروش مجدد گاز، با هم در یک قرارداد فروش گاز می‌تواند با قوانین رقابت در اروپا در تضاد قرار گیرد. از این‌رو شرط Take or Pay یا حداقل تعهد به خرید بطور همزمان با محدودیت فروش مجدد نمی‌تواند در یک قرارداد با هم آورده شود.

مقامات آلمانی صراحتا درج تعهد به حداقل حجم خریداری شده توسط خریدار را از قرارداد حذف نکردند و در عوض خواستار حذف ممنوعیت فروش مجدد به عنوان محدودیت رقابت در قرارداد مذکور شدند.

آنها اعلام داشتند که با پذیرفتن اینکه دو شرط تعهد به حداقل حجم خرید و ممنوعیت فروش مجدد در قراردادهای فروش به‌صورت همزمان آورده نشود، می‌توان تا

1. K.Talus, ' Long- term national gas contracts and antitrust law in the European Union and the United States', Journal of World Energy Law and Business 4(2011)3, -67

حدود زیادی ریسک را برای دو طرف قرارداد یکسان‌سازی نمود. دادگاه آلمان همچنین متذکر شد که ممنوعیت فروش مجدد گاز، در مواردی که حق فروش مجدد منوط به رضایت تأمین‌کننده است، به‌عنوان ناقض قانون رقابت اتحادیه اروپا خواهد بود. تجزیه و تحلیل در این مورد فقط مربوط به حجم تحت پوشش تعهد Take or Pay است و حجم اضافی مورد نیاز خریدار به وضوح از این قاعده مستثنی است. به همین ترتیب، شرط محدودیت فروش مجدد را بیش از حجم Take or Payبلامانع و مجاز دانستند.

تحولات فوق در استفاده از قانون رقابت اتحادیه اروپا در بازارهای پایین دستی گاز طبیعی باعث ایجاد تغییرات چشمگیر در موقعیت شرکت‌های گازطبیعی اتحادیه اروپا شده است. از بین رفتن احتمالی پایگاه مشتری به دلیل رقابت در عرضه و تداوم تعهد Take or Pay، ریسک‌های تجاری خریداران اتحادیه اروپا را افزایش داده است. این خطر با ظهور حجم زیادی از گاز تک‌محموله کم هزینه خصوصا تولید گازهای شیل ایالات متحده آمریکا، تقویت شده است. در حال حاضر به واسطه تکنولوژی‌های پیشرفته، شرایطی ایجاد شده که مشتری به حجم زیادی از LNG دسترسی داشته باشد.

با استناد به رویه کمیسیون و دادگاه اتحادیه اروپا در مورد پرونده‌های بررسی شده، می‌توان گفت قراردادهای تأمین گاز با تعهد پرداخت یا تحویل، به خودی خود در اتحادیه اروپا ممنوع نیست و باید از حیث تأثیر آن بر رقابت، بررسی شود و در صورتی که رقابت در بازار را تحت تأثیر قرار دهد، اجرای آن با ممنوعیت مواجه می‌شود. معیارهایی که کمیسیون برای تأثیر این رقابت در نظر می‌گیرد، وضعیت بازار فروشنده، دسترسی خریدار به فروشندگان، مدت قرارداد تامین گاز و سهم خریدار از بازار است.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل ضد انحصاری از شرایط قراردادها، با درنظر گرفتن تأثیر مثبت این شروط بر امنیت تقاضا برای فروشنده و امنیت عرضه برای خریدار است و هرگونه تأثیر منفی را متعادل می‌کند. در اروپا و امریکا، بخش انرژی یکی از زمینه‌های اصلی کنترل ضد انحصاری است[1]. به دلیل حساسیت بخش انرژی (نفت، گاز و برق)، نیاز ویژه‌ای به

1. K.Talus, ' Long- term national gas contracts and antitrust law in the European Union and the United States', Journal of World Energy Law and Business 4(2011)3, -310

اجرای دقیق و مستقل و ضدانحصاری قوانین وجود دارد. سیاست‌های بازارهای گازطبیعی اتحادیه اروپا و تاثیر مستقیم این سیاست‌ها بر بخش انرژی و مصرف‌کنندگان اتحادیه اروپا، منجر شده است تا منافع سیاسی موجود در این بخش برجسته گردد. به دلیل این عوامل ، گاهی نقش و منطق قراردادهای بلندمدت فراموش می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهد که اگرچه قراردادهای بلندمدت در بازارهای گازطبیعی اتحادیه اروپا همچنان به‌عنوان ستون امنیت عرضه انرژی مطرح می‌باشند، اما این قراردادها به تدریج از مدل سنتی فاصله گرفته و با توجه به شرایط بازار خود را به روز می‌نمایند.

نمایه‌سازی قیمت نفت در قیمت گاز در قراردادهای بلندمدت به تدریج کارایی خود را از دست می‌دهد. در حال حاضر پرونده‌های درخواست بازنگری در قیمت، برای قراردادهایی که فرمول قیمت‌گذاری آنها وابسته به قیمت نفت می‌باشد، به‌شدت در حال افزایش است و این نشان‌دهنده آنست که در حال حاضر این روش قیمت‌گذاری در انعکاس واقعیت‌های بازار ناتوان بوده است. برخلاف بسیاری از تغییرات اساسی دیگر در ساختار بازار انرژی اتحادیه اروپا، تغییر رویکرد فرمول محاسباتی قیمت گاز، توسط مجریان اعمال نمی‌شود، بلکه توسط بازارها هدایت می‌شود و از طریق شرط بازبینی قیمت گاز، قراردادهای بلندمدت خود را با قراردادهای کوتاه‌مدت بازار تنظیم می‌کنند.

به همین ترتیب، با توسعه بازار تک‌محموله، می‌توان گفت LNG به طور فزاینده‌تر از قبل در دسترس خریداران قرار گرفته و اتکا به قراردادهای Take or Pay کاهش یافته است. اگرچه هنوز اتحادیه اروپا از قراردادهای Take or Pay بعنوان یکی از مهم‌ترین مشوق‌های سرمایه‌گذاری در حوزه گاز، استقبال می‌کند، اما بدون‌شک حجم گاز تحت پوشش تعهد به پرداخت، به مرور در این اتحادیه کاهش خواهد یافت و با ایجاد انعطاف پذیری مبتنی بر بازار، شرایط به سمتی پیش خواهد رفت که در هر دو چارچوب Take or Pay و معاملات کوتاه‌مدت در کنار هم، به موجودیت خود ادامه دهند.

مقررات مربوط به قراردادهای بلندمدت Take or Pay مکانیسم اصلی تقسیم ریسک در تجارت گازطبیعی اتحادیه اروپاست و تا زمانی که خریدار در فروش مجدد حجم خریداری شده خود در بازار ثانویه آزاد باشد، تأثیر منفی شرط Take or Pay به

حداقل می‌رسد. از این‌رو اتحادیه اروپا در مورد قراردادهایی که بصورت هم‌زمان هم شرط Take or Pay دارند و هم شرط مقصد، حساس می‌باشد و وجود این دو شرط با هم را مغایر با قانون رقابت در این اتحادیه می‌داند.

اتحادیه اروپا در مورد شرط مقصد و محدودیت‌های منطقه‌ای، انعطاف‌پزیری در مقابل شرط Take or pay را کنار گذاشته و موضع تندتری در پیش گرفته و به صراحت اعلام می‌دارد که توافقات فروش گازی که حاوی شرط مقصد و یا حاوی شروط محدودیت‌های منطقه‌ای مصرف می‌باشد، باعث اختلال در تجارت آزاد بین کشورهای عضو گردیده و با قوانین رقابت در این اتحادیه ناسازگار است و مانع از ایجاد بازار یکپارچه در این اتحادیه می‌شود. لذا خواستار حذف این شروط از کلیه قراردادهای بلندمدت است.

به دلیل ویژگی‌های سودمند مختلفی که در این مطالعه به آن پرداخته شد، بنظر نگارنده باید اجازه داد که قراردادهای بلندمدت در کنار معاملات کوتاه‌مدت، وجود داشته باشند و به صورت مکمل یکدیگر ادامه حیات دهند، چرا که وجود هر دو نوع قرارداد برای ثبات بازار گاز لازم و ضروری می‌باشد. وجود هر دو نوع قرارداد در اروپا سبب کاهش عدم اطمینان می‌شوند و محرک لازم سرمایه‌گذاری را فراهم‌می‌کنند. به همین ترتیب، در نهایت باید این بازارها باشند که در مورد ادامه فعالیت قراردادهای بلندمدت تصمیم‌گیری کنند. تصمیمات دستوری و مدیریتی و تحمیل نمودن برخی شرایط به بازار می‌تواند خطر نادیده گرفته شدن برخی از عوامل را در پی داشته‌باشد. باید توجه داشت که اهمیت حیاتی انرژی برای اتحادیه اروپا، آستانه پذیرش ریسک را در این حوزه بسیار کاهش داده است.

منابع

- ابراهیم عباسی، بررسی روشهای تامین مالی پروژه ها در بخش بالادستی نفت و گاز، ۱۳۹۵فصلنامه اقتصاد مالی
- احمد کدخدازاده- فصلنامه مطالعات انرژی- ۱۳۹۲
- حاجیان، محمدمهدی- سلیمی، شیدا- مدیریت و توزیع کارآمد ریسک در قراردادهای نفت و گاز از طریق شروط قراردادی، ۱۳۹۹ مجله پژوهشهای حقوقی

- حاجیان، محمدمهدی- موسوی، میترا- مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی شرط تعهد به دریافت در قراردادهای فروش و انتقال گاز- فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، پاییز ۱۳۹۵
- علی عقیلی مقدم -تاثیرپذیری قیمتهای منطقه ای گاز از قیمتهای نفت خام در بازار جهانی- فصلنامه مدلسازی اقتصادی بهار ۱۳۹۹
- قاسمی جاوید، علیرضا- تکلیف، عاطفه- حاجیان، محمدمهدی- ارائه مدل بهینه سازی قیمت در قراردادهای صادرات گاز ایران بر مبنای تحلیل شروط انعطاف پذیری مقداری- فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی- تابستان ۱۴۰۰ شماره ۶۹
- قاسمی جاوید، علیرضا- حاجیان، محمدمهدی- تطبیق پذیری ثمن شناور در قراردادهای صادرات گاز با حقوق ایران- مجله مطالعات حقوق انرژی، تابستان ۱۴۰۰
- مسعود درخشان، ویژگیهای مطلوب قراردادهای نفتی، ۱۳۹۲
- میترا مدرسی، روشهای قیمت گذاری بین المللی نفت و گاز، تهران انتشارات هزاره سوم ۱۳۹۱
- BP Statistical review of world energy 2021
- Clarke, Julie (2014) . International merger policy: applyingdomestic law to international markets, Edwar Elgar Publishing
- Energy sector competition inquiry- final report- frequently asked questions and graphics (MEMO/07/15, 10.1.2007).
- Fang-chia Lee, Possible Implication on Destination Clause Removal From Contracts in Asia-Pacific, Asia Pascific Energy Research Center 2018
- Global Gas outlook 2050, GECF 2020
- James Atkin, LNG Supply Destination Flexibility, July 2019
- K.Talus, ' Long- term national gas contracts and antitrust law in the European Union and the United States', Journal of World Energy Law and Business (2011)
- Luca Franza, Long-term gas import contracts in Europe 2018
- Steven P Finizio, Destination Restrictions and Diversion Provisions in LNG Sale and Purchase Agreements, Global Arbitrations Review 2017
- Suzanne Rab, Gas and LNG: Profit Share Mechanisms 2019
- World Energy Outlook 2020
- World LNG Report 2020

The Impact of EU's Competition Laws on the Long-Term Gas Contracts

Mohammad mehdi Hajian[1]
Assistant Professor at law, Allameh Tabataba'i University, hajian@atu.ac.ir

Faisal Ameri
Associate Professor at law, Allameh Tabataba'i University, faysalameri51@gmail.com

Samieh Kokabi
PhD. Candidate at international oil and gas contract Allameh Tabataba'i University, s.kokabi@gmail.com

Received: 2021/09/21 Accepted: 2021/12/25

Abstract

Competion laws follow varions goals including economic targets such as increase of economic efficiency and consumers' welfare. This branch of law has resisted against agreements and contracts which endanger the consumers' or public welfare and has tried to prevent such contracts and processes. European Union is among the greatest consumers and importer of energy in the world. The most part of the gas consumed in EU is provided from outside and therefore the outlook of supply and transport of energy to the critical paths of lits industrial and economic sectors has become a major concern in EU. On the other hand, through imposing competition laws, EU is pursuing to develop a fair competitive structure among economic actors and production institution and by controlling anti-competion behaviour has prevented the formation of cartels and monopoles, and thus avoided damage to the public interests. One of the most important sectors which witnessed many disputes is the sale of gas to EU through long term contracts. Sometimes, conditions are inserted in the contracts which contrablicts competition laws in EU. Europe is willing to organize a common uniform energy market inside EU to support the consummers' rights and assurance of supply of the needed energy.In this paper, we are going to identify the EU envisaged anti-competition conditions through analysis of EU's long term gas sale contracts. Furthermore we will explore the impact of EU's regulations on the insertion of such conditions in the contracts.The subjects that will be covered are: Destination Cluse, Oil Price Indexation, Take or Pay and Resale Restrictions. It is very important to note that application of anti- trust laws is time specific and thus undergo countinuos change. A legal action today might be an anti competition activity tomorrow.

JEL Classification: K12, K21, K32, F23, F53.

Keywords: European Union, Competition laws, gas contracts, gas contract conditions, destination clauses, Take or Pay and Resale Restriction

1. Corresponding Author